STONEBOT
comics.com

SALVADOR SANZ

DEC.21 | $7.99

#1 OF TWO

MXGA

دورنامه
dorrname.ir

RED 5 COMICS



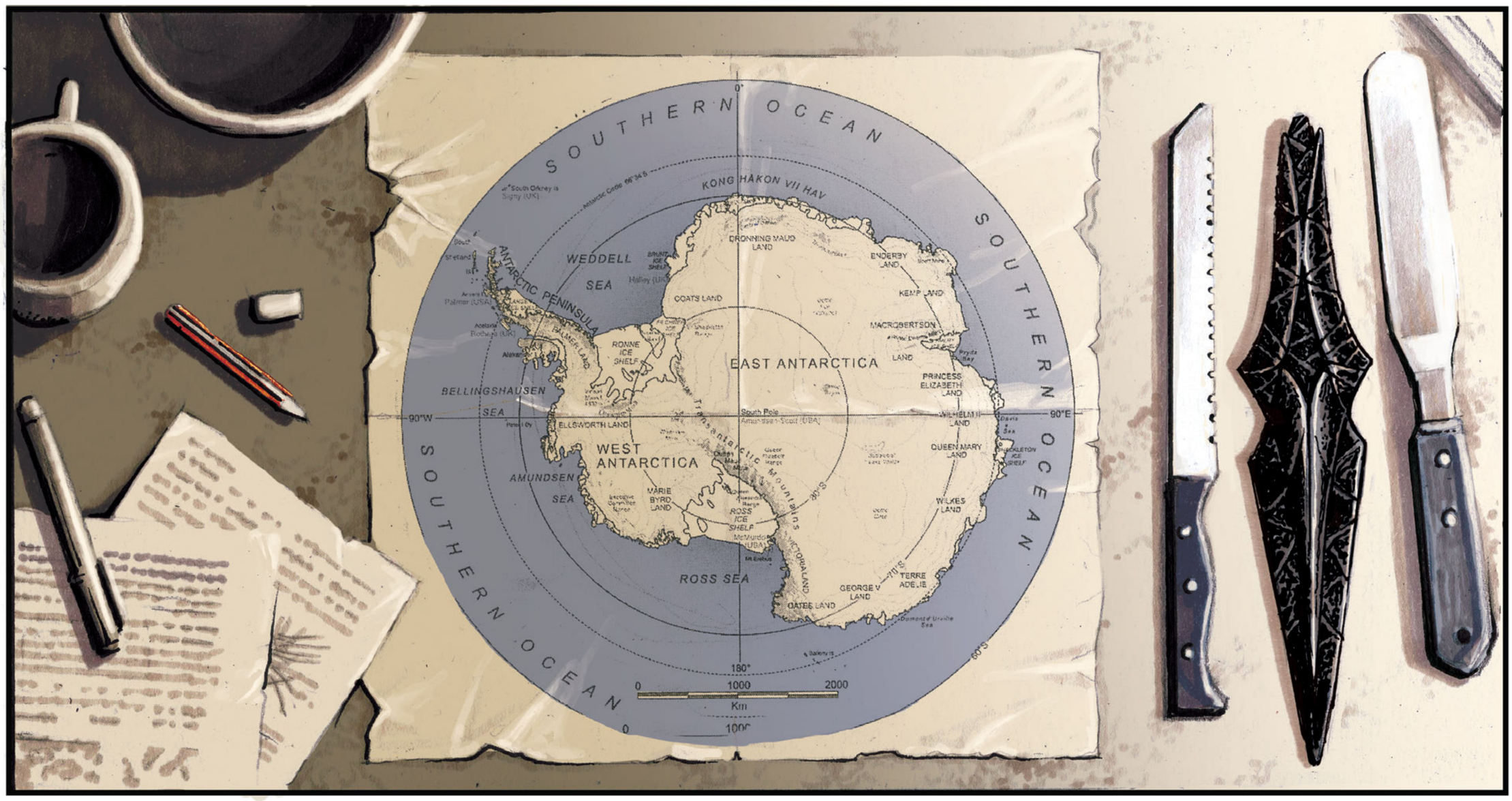
SCRIPT & ART: Salvador Sanz

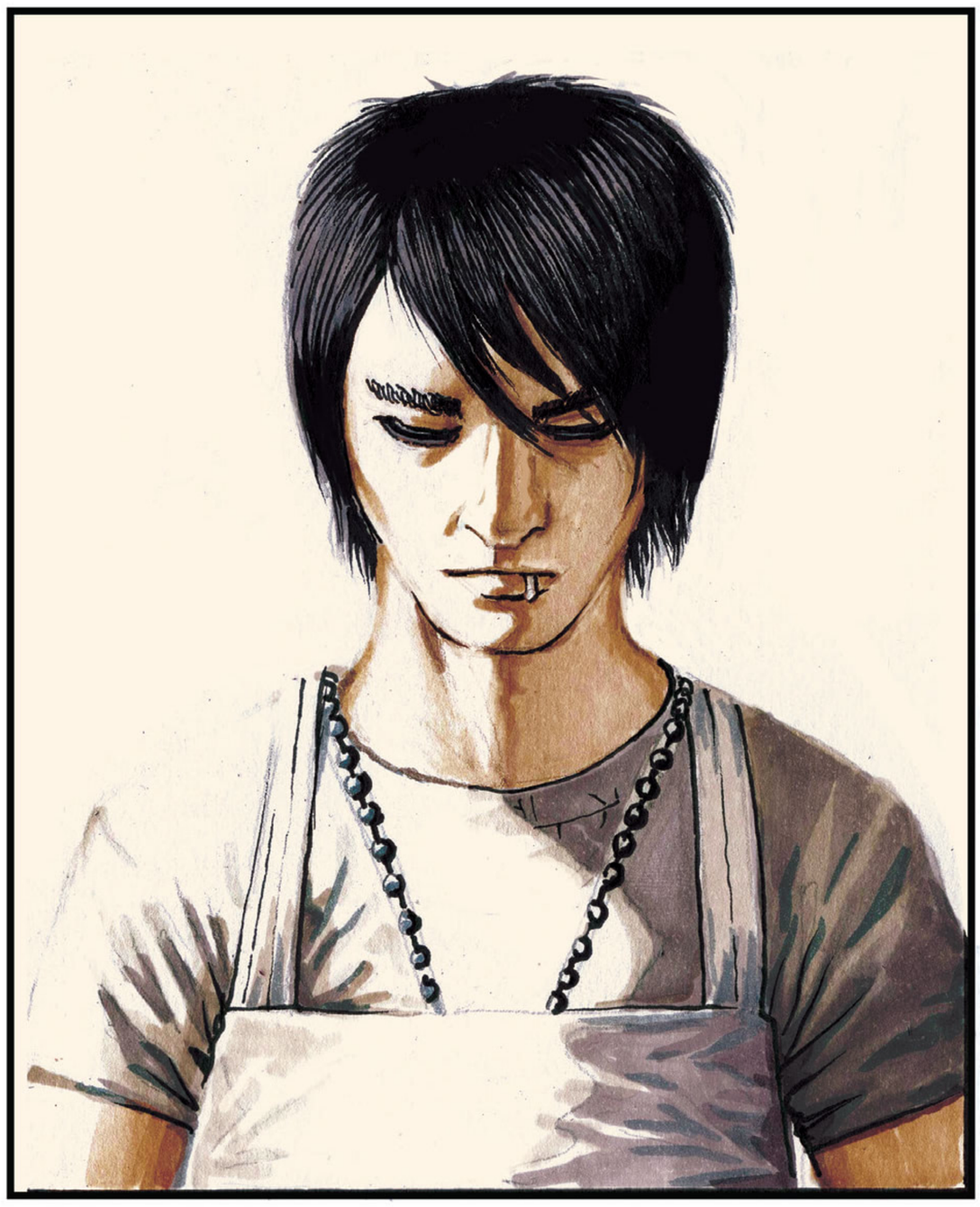
TRANSLATION: Leandro Paolini Somers **LETTERING:** Martín Casanova
REVISION: Chris Ortega

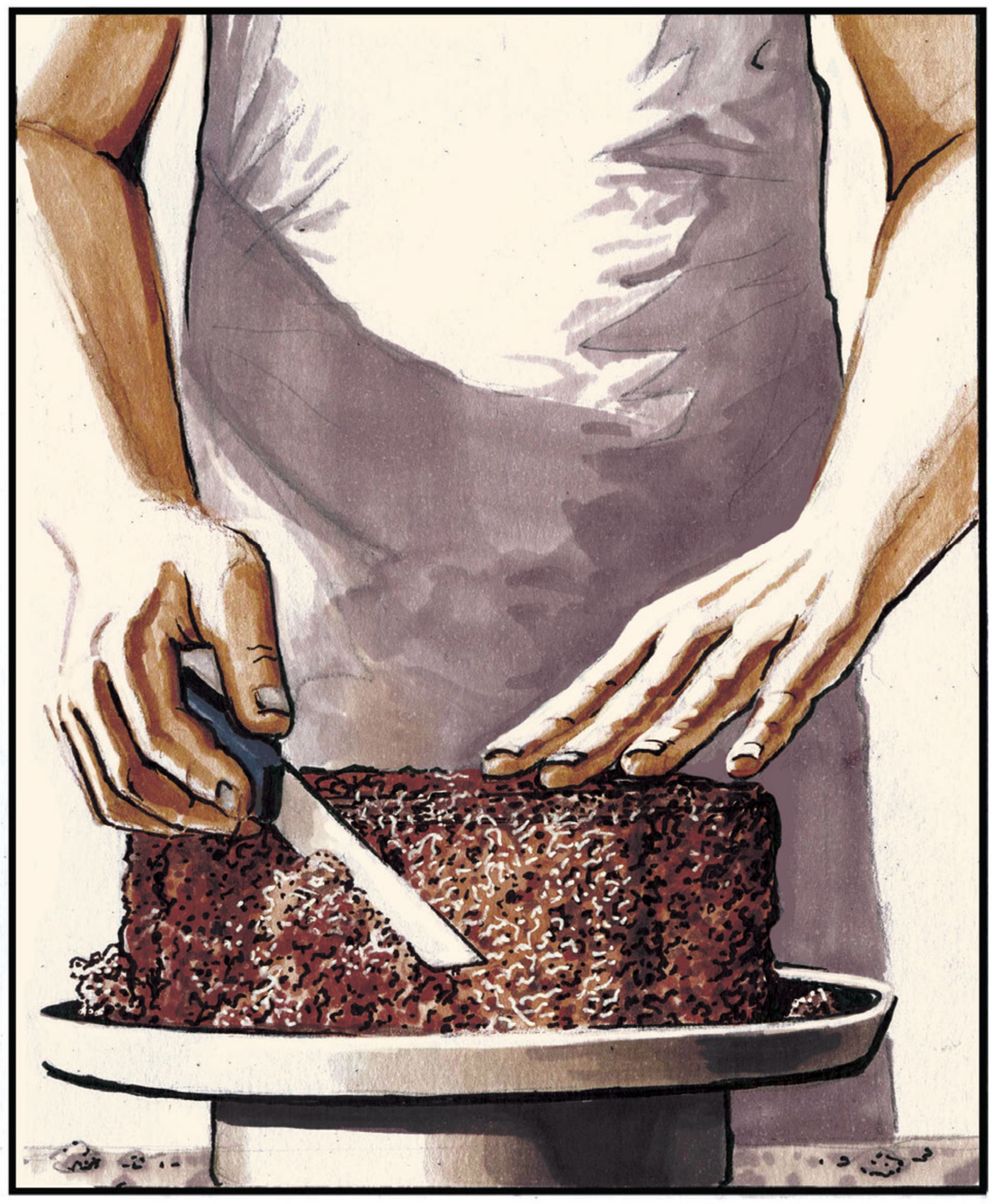
RED 5 COMICS: Paul Ens, Scott Chitwood, Joshua Starnes
STONEBOT COMICS: Matías Timarchi, Diego Barassi, Martín Casanova, Leonardo Scarano, Fabricio Castellano, Rodrigo Molina, Javier Paredes

Visit STONEBOTCOMICS.COM for more awesome comics

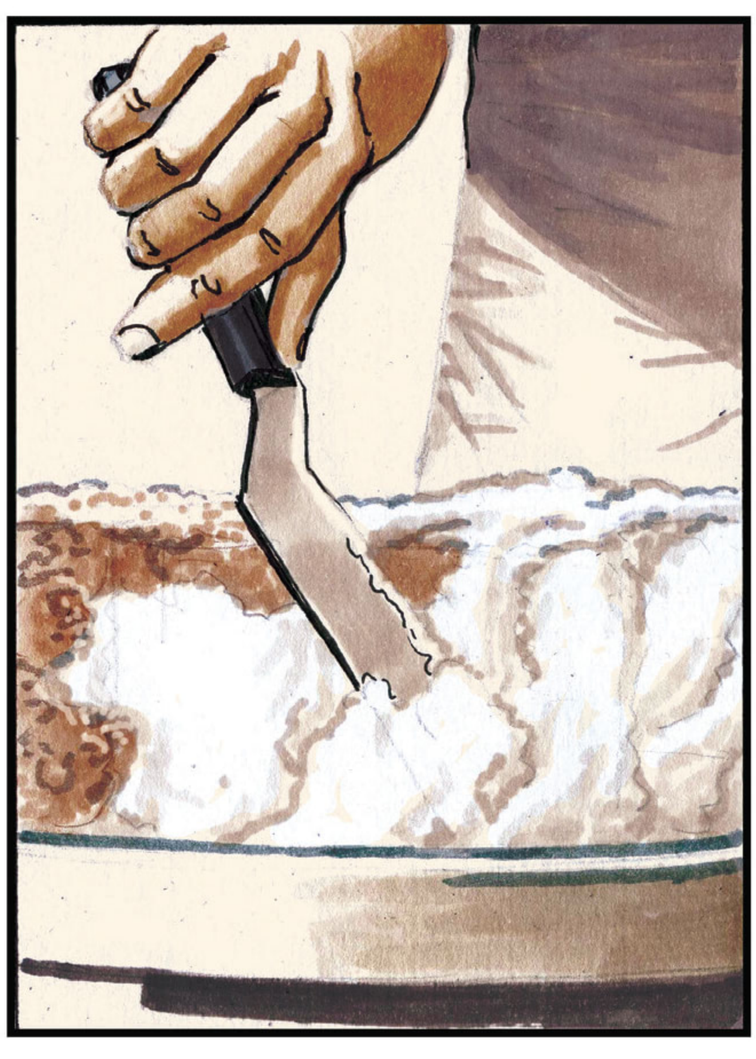
MEGA #1, December 2021. First printing. Published by Red 5 Comics, Ltd., 27103 Kelsey Woods Court, Cypress, TX, 77433. Copyright © 2021. All rights reserved. Mega, the Mega logo, and all characters, likeness and situations featured herein are trademarks and/or registered trademarks of Salvador Sanz. Except for review purposes, no portion of this publication may be reproduced or transmitted, in any form or by any means, without the express written permission of StoneBot comics. All names, characters, locations and events in this publication are fictional. Any resemblance to actual persons (living or dead), events, institutions, or locales, without satiric intent, is coincidental.
Printed in Canada.

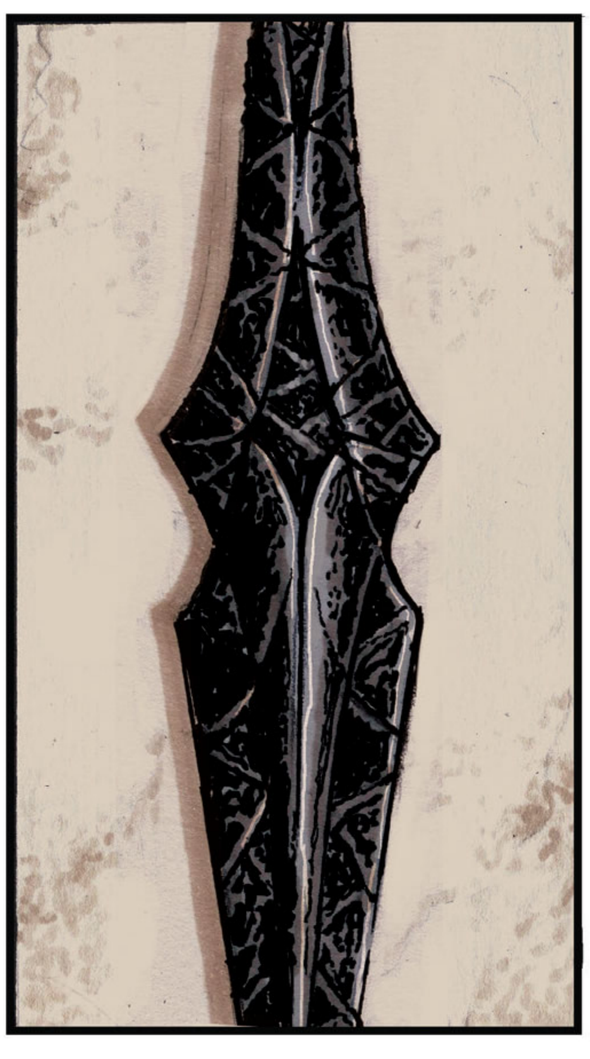

SOUTHERN OCEAN
SOUTHERN OCEAN
SOUTHERN OCEAN
KONG HAKON VII HAV
WEDDELL SEA
ANTARCTIC PENINSULA
PALMER LAND
BELLINGSHAUSEN SEA
AMUNDSEN SEA
RONNE ICE SHELF
COATS LAND
DRONNING MAUD LAND
ENDERBY LAND
KEMP LAND
MACROBERTSON LAND
EAST ANTARCTICA
PRINCESS ELIZABETH LAND
WILHELM II LAND
QUEEN MARY LAND
WILKES LAND
TERRE ADELIE
GEORGE V LAND
OATES LAND
ROSS SEA
ROSS ICE SHELF
MARIE BYRD LAND
ELLSWORTH LAND
WEST ANTARCTICA
Transantarctic Mountains
VICTORIA LAND
South Pole
90°W
90°E
180°
0
1000
2000
Km



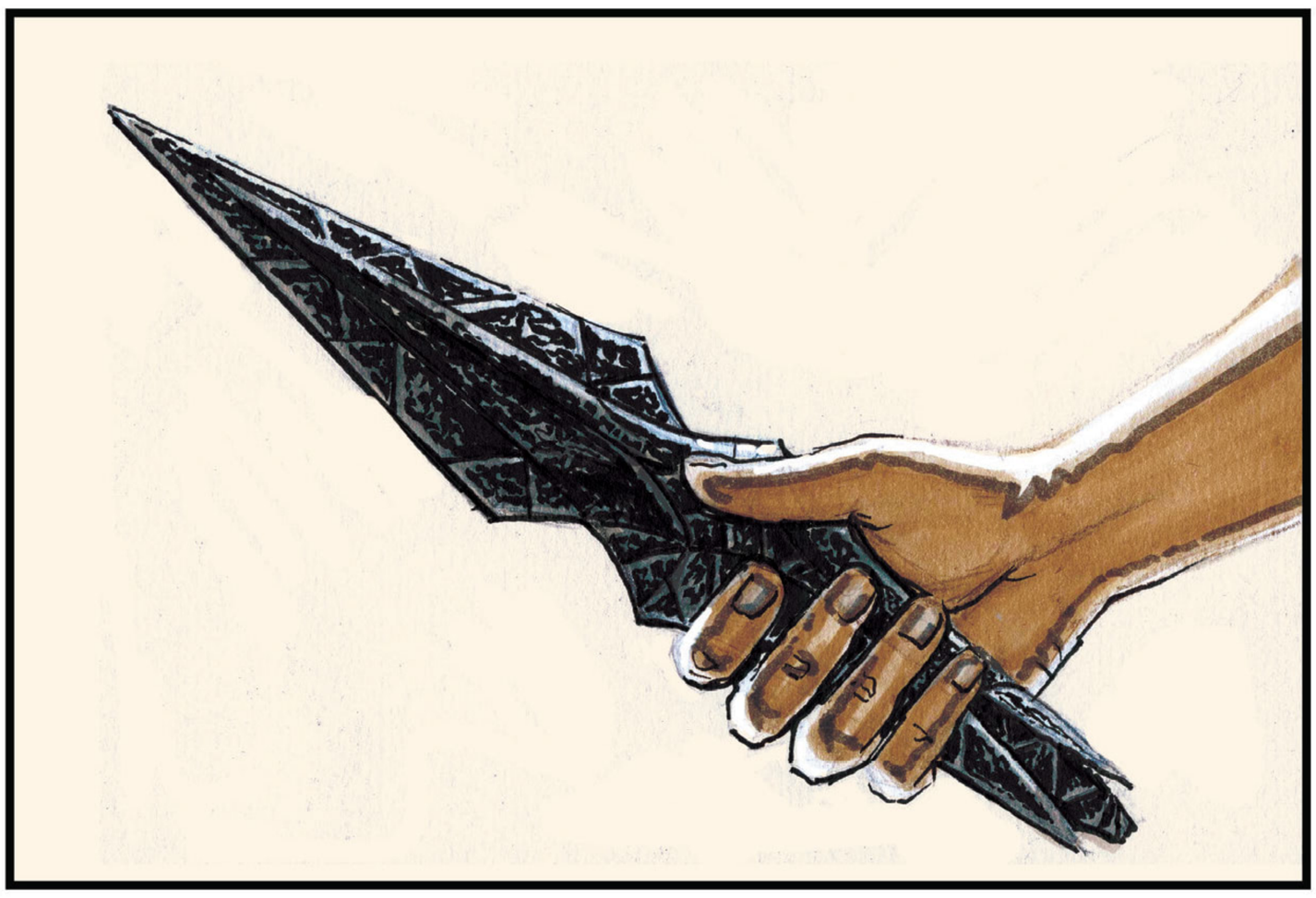


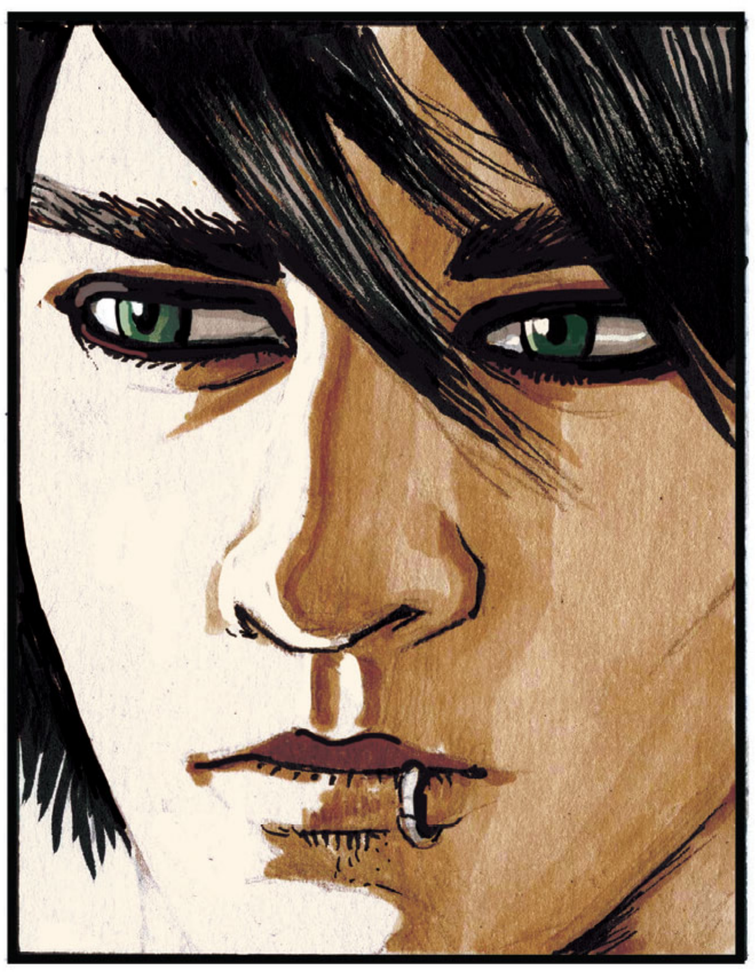






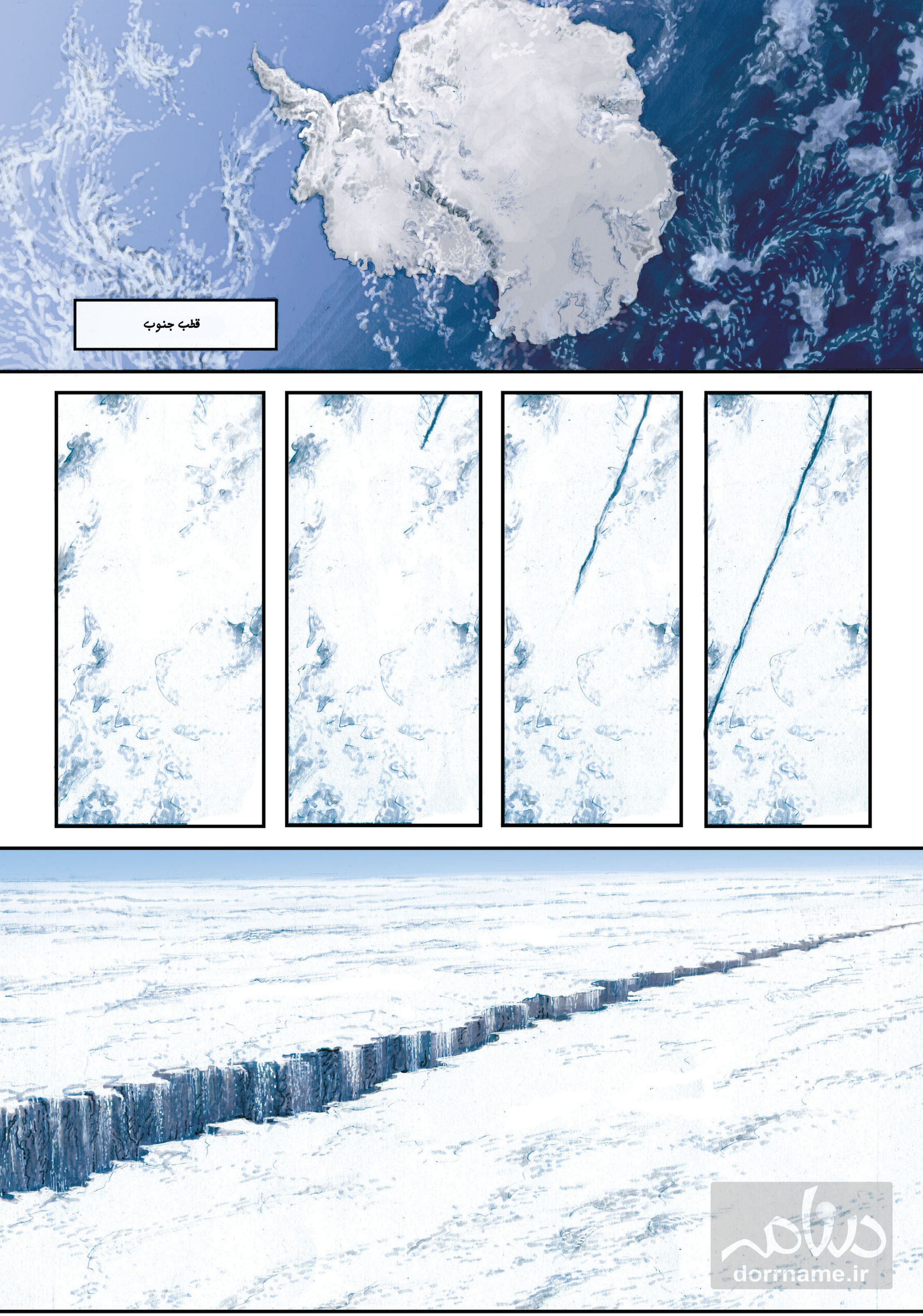

KONG HÅKON VII HAV
SOUTHERN OCEAN
DRONNING MAUD LAND
ENDERBY LAND
COATS LAND
KEMP LAND
MACROBERTSON LAND
EAST ANTARCTICA
PRINCESS ELIZABETH LAND
South Pole
Amundsen-Scott (USA)
WILHELM II LAND
90°E
Transantarctic Mountains
QUEEN MARY LAND
ROSS ICE SHELF
WILKES LAND
VICTORIA LAND
GEORGE V LAND
TERRE ADELIE
OATES LAND
180°
1000
Km











dorrname.ir



dorrname.ir

تینا

زمین لرزه در قطب جنوب

بوئنوس آیرس، آرژانتین

می دونی که امروز
می خواهیم به دیدار
آیدا تو پوساریو
بریم، درسته؟

باید یه
چیزی رو بهت
بگم...

نه. برنمی گرده.
در مورد همین موضوع
می خواستم باهات حرف بزنم.
پدربزرگ تو یه کشتی بزرگ
وسط اقیانوس بوده...

... و حالا اون
کشتی گم شده.

خوب...
یادت هست که پدربزرگ
مدت خیلی زیادی بوده که
در سفر بوده؟

بله. داره
برمی گرده؟

بله.

پدربزرگ
مرده؟

نه، نه...

اون گم شده.
اونها نمی تونند کشتی
رو پیدا کنند و پدربزرگ هم
سنش بالاست.
یادته که!

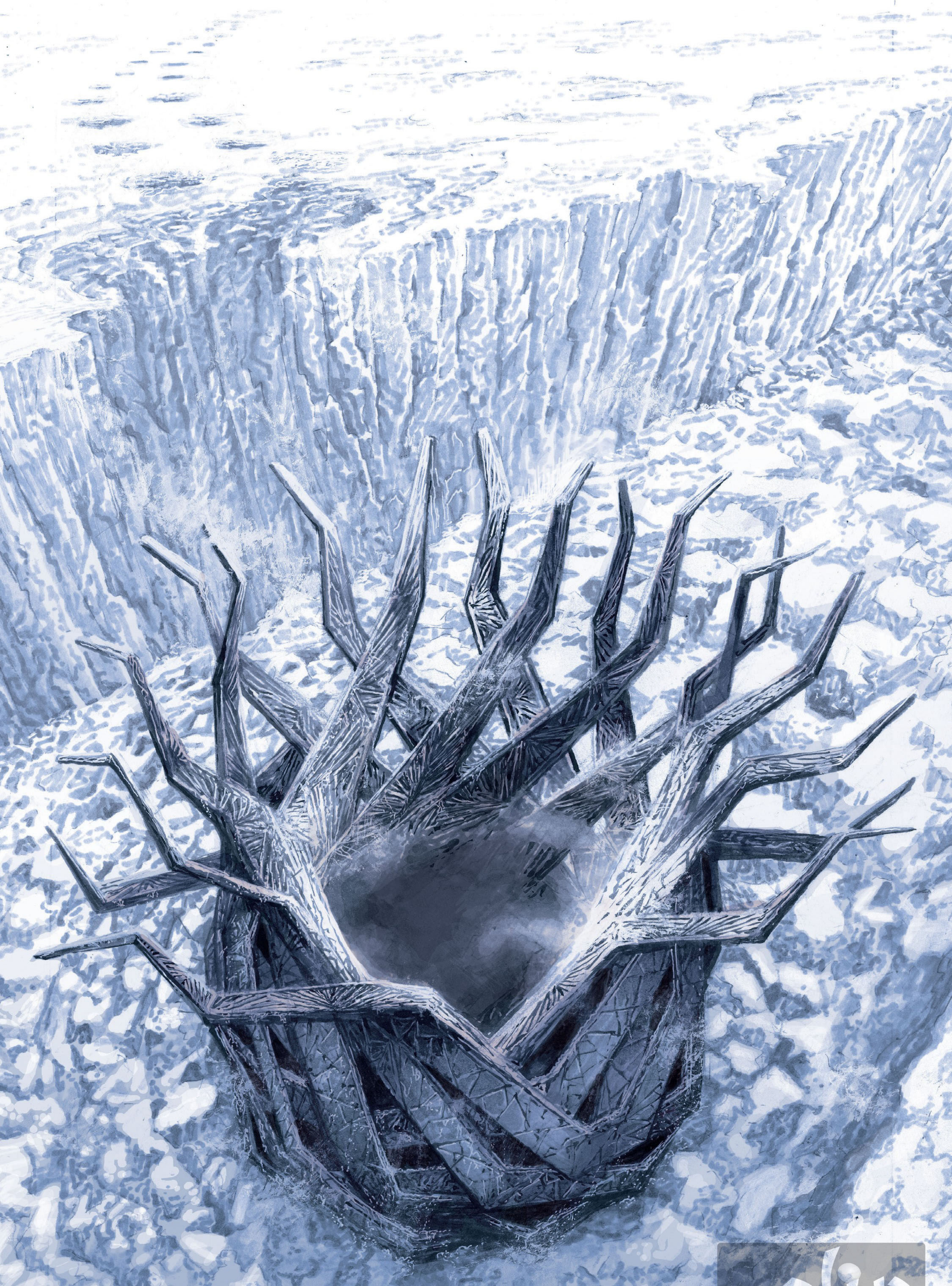
می دونم پدر.
ولی خیلی وقته
ندیدمش.

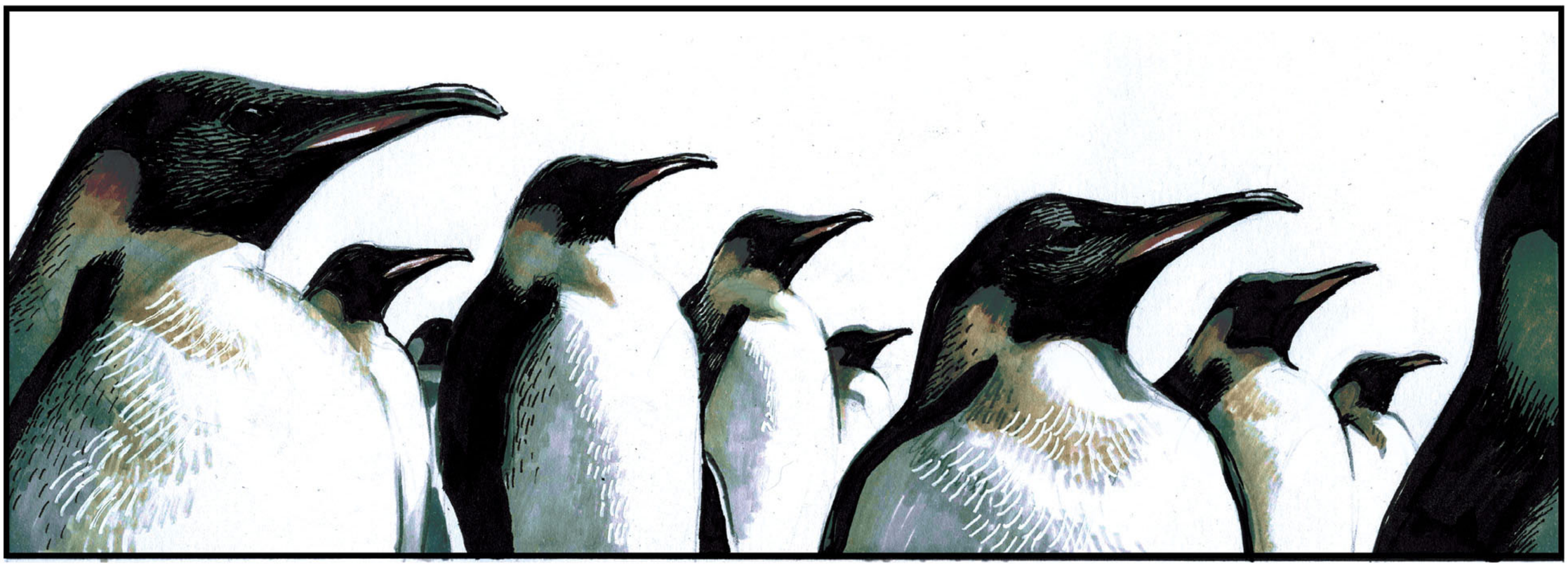
درسته.

اگه پدربزرگ
بمیره، می تونه
در قالب یه حیوون زیبا
مثل پاندا و میمون تنبل
دوباره زندگی کنه.

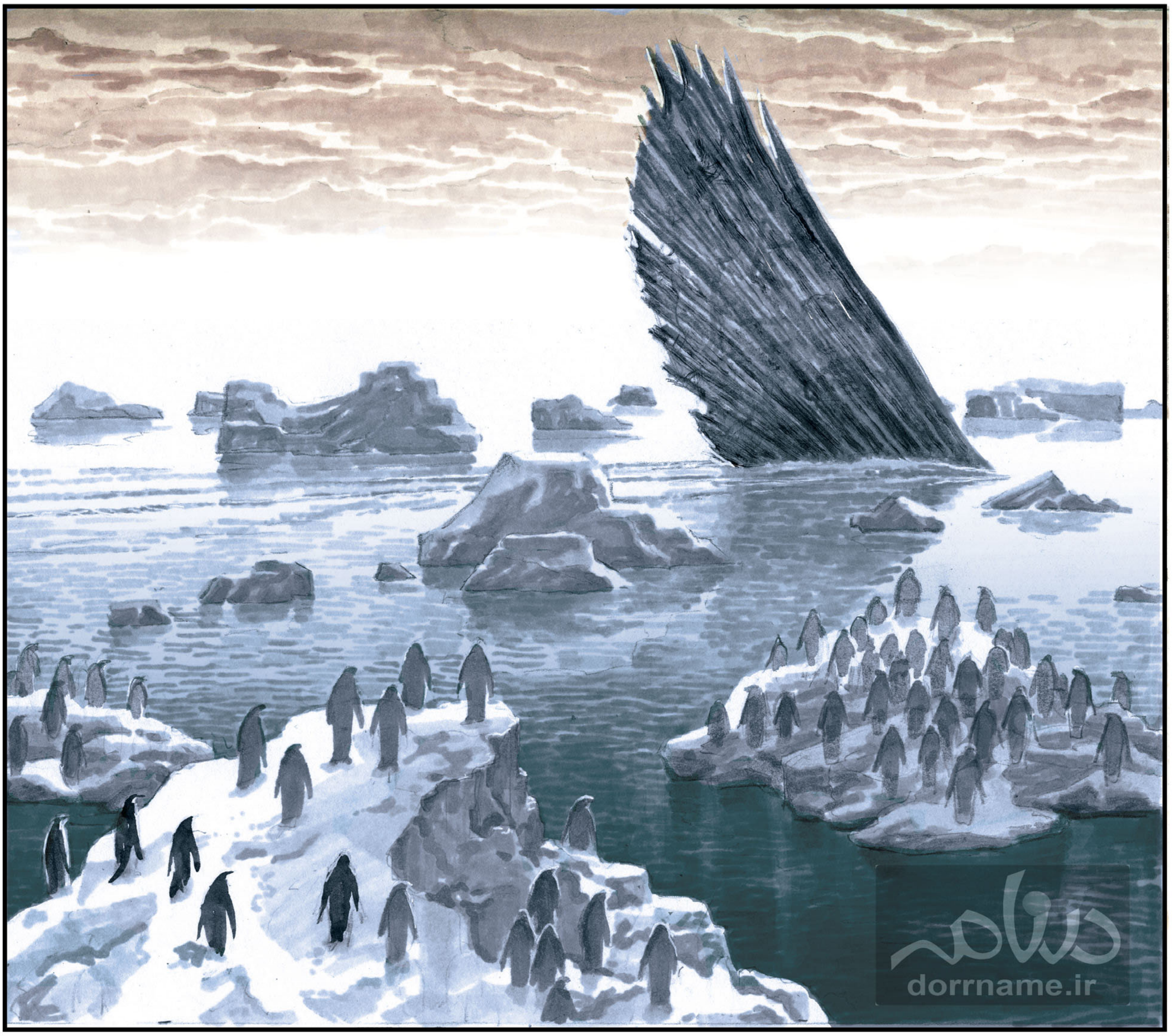
ناراحت نشو
پدر.

دانلود
downame.ir


dorrname.ir







dorrname.ir

کی درباره
چوپاکابرا بهت
گفته؟

پدر...
چوپاکابرا وجود
داره؟

عمو ارنستو
می گه اون یه حیوون
بیگانه است که تو مناطق
روستایی گم شده و خون بزها
رو می مکه.

می دونم چوپاکابرا
چیه، ولی وجود نداره.
فقط یه افسانه است، مثل
هیولای لوک نس.

موضوع چیه؟
تازه رسیدی اینجا
و نرسیده می خواهی
برگردی؟

نه! موضوع
این نیست. دلم می خواد
شهاب ها رو ببینم...

امروز
جمعه است.
می تونی شنبه شب
پیش مامانت و گربه
باشی.

درسته.

کی می تونم
مادر رو ببینم
پدر؟

عموت
دیوونه است. اون
باورش نمی شه که
انسان به کره ماه
قدم گذاشته. ولی
چوپاکابرا رو باور
می کنه.

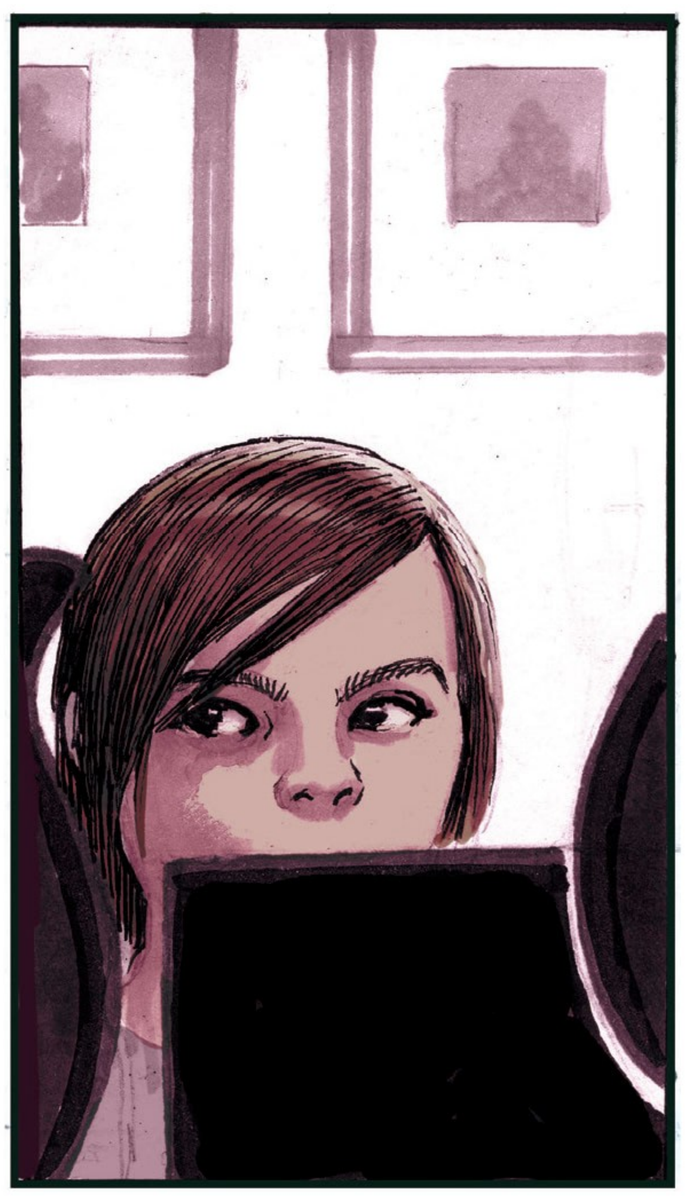
ضمناً اگه
اون موش ها
رو می خوره، باید
بهش بگن
چوپاراتاس.

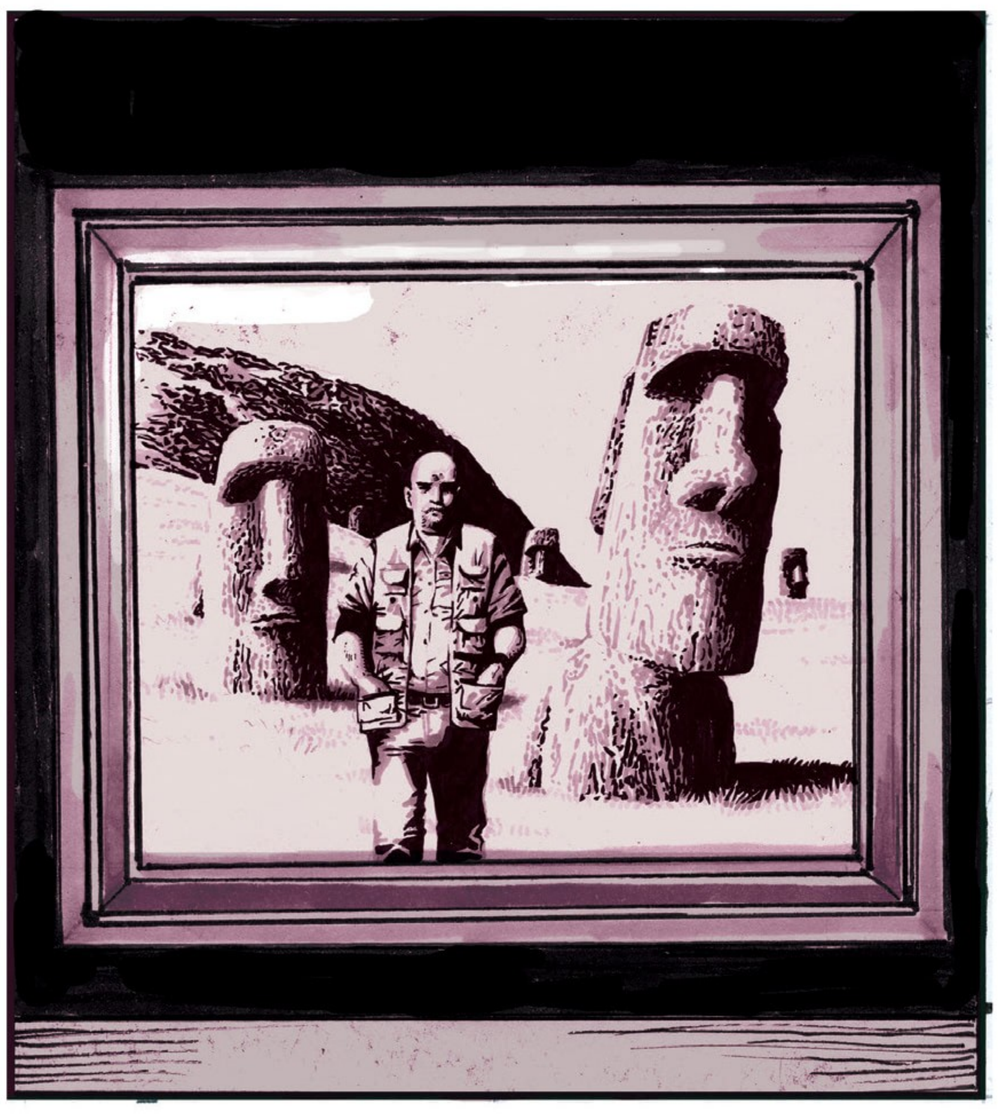
هیولای
لوک نس وجود
نداره. می دونم. ولی
عمو به من گفته
تو مورنو یه چوپاکابرا
دیدند. داشته
حیوون های اهلی
و موش ها رو
می خورده. چون
اونجا بز پیدا
نمی شه.

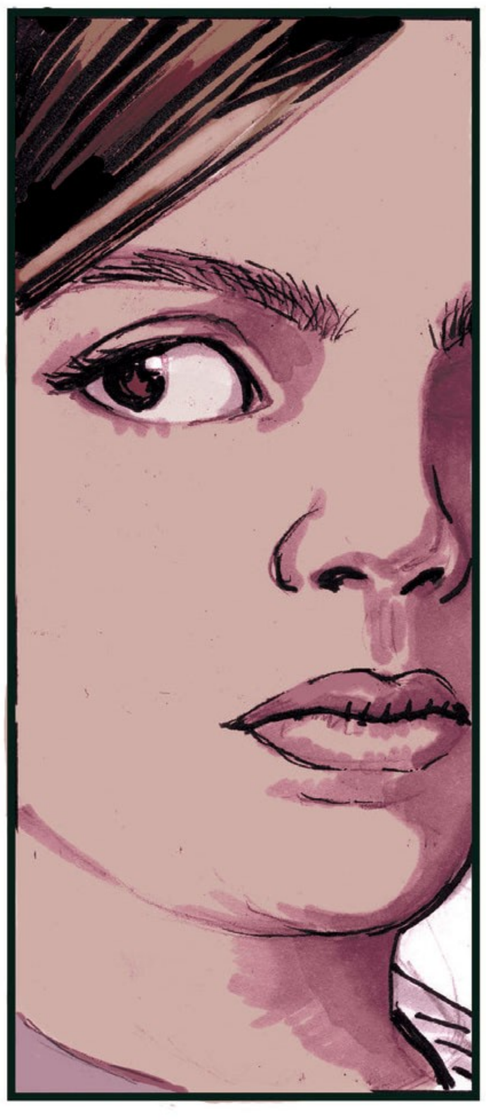


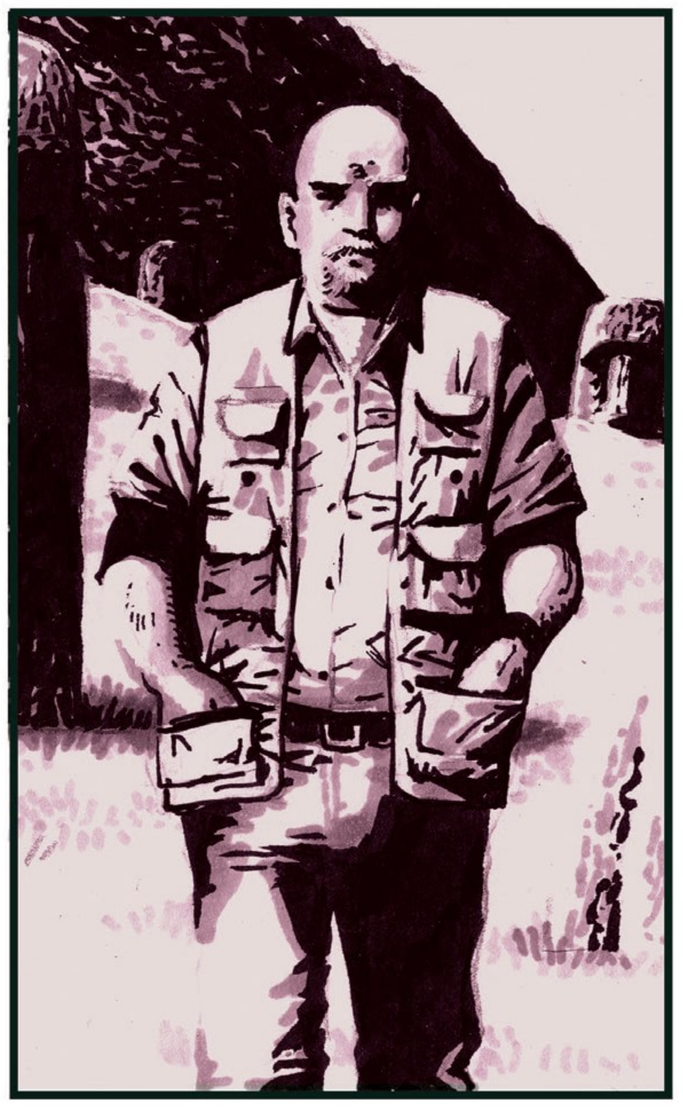












چراغ های دستشویی
و اتاق خواب رو روشن
گذاشتی.

برو چراغ ها رو
خاموش کن تینا!

نگران نباش ادگار. بذار به
حال خودش باشه.

من از تاریکی
خوشم نمیاد. منو
می ترسونه.

نمی دونم چرا این
کارو کرده. شاید فکر
می کرده جای این چیزا
اینجا امن تره.

ما با پدرت زیاد
صحبت نمی کنیم. خودت
می دونی. ولی حدود یه ماه
پیش کلی از وسایل شخصی خودش
رو به همراه این عکس ها
برای من فرستاد.

”اون گفت اینها آخرین بقایای گاندوانا هستند، قاره ای گم شده ای که حدود ۲۵۰ میلیون سال پیش تشکیل شده بود از آمریکای شمالی، قطب جنوب، استرالیا، شبه قاره هند.“

”اینها در اعماق زمین تو برزیل دفن شده بودند. همه این اشیاء از اونجا حفاری شدند و بیرون کشیده شدند. ولی الان همه اونها غیبشون زده. به همین دلیل فکر می کنم که دزدیده شدند.“

”تنها چیزی که به من گفت این بود که تا چند ماه دیگه برمی گرده، تمام چیزهاشو با خودش می بره و منو تنها می ذاره. کارگاهش همونطوره که بود.“

همه اونها سر یه موضوع متفق القول هستند. که آخرین تماسشون به ۱۳ روز پیش برمی گرده، ولی ایدن سعی نکرد با کسی تماس بگیره.

من هر روز با خانواده افراد دیگه ای که مفقود شدند صحبت می کنم. هیچکس هیچی در این مورد نمی دونه.

”بله، ولی اون شناخت درستی از پدربزرگش نداره. آخرین باری که اونو دید فقط چهار سالش بود.“

به تینا همه چیز رو گفتی؟

اون به چند تا از تماس های تلفنی من جواب داد، غیر از اون به خودش زحمت نداده با ما تماسی برقرار بکنه، حتی بخاطر نوه اش.

پدر!
پدر! کجایی؟

dorrname.ir

تینا...

تولدهای دیگه؟
حق با توئه. تو الان ۶
سالته. بزرگتر شدی. می تونی
بخونی و بنویسی؟

تو فقط
آخرین تولد منو
از دست ندادی...

ولی برات
یه هدیه آوردم چون
برای آخرین تولدت نتونستم
خودمو برسونم.

من؟ مرده؟

بذار اینطور
فکر کنیم که
من تو خواب
هستم و نمی تونم
بیدار بشم. سعی
کردم با پدرت حرف
بزنم، ولی نتونستم.
ولی بعد تو رو
پیدا کردم.

آره.

پدربزرگ...
تو مردی؟

باشه.

هدیه ات رو
می خواهی؟

تو خونه آیداست
تو کارگاه من. تو یه جعبه
چوبی سبزرنگه، روی میز من.
وقتی جعبه رو پیدا کردی...برش
دار...مال توئه.

شاخ یه حیوونه
که دیگه وجود نداره.
حیوونی که خیلی زیباتر
از اسب تک شاخ
بوده.

چی توشه
پدربزرگ؟

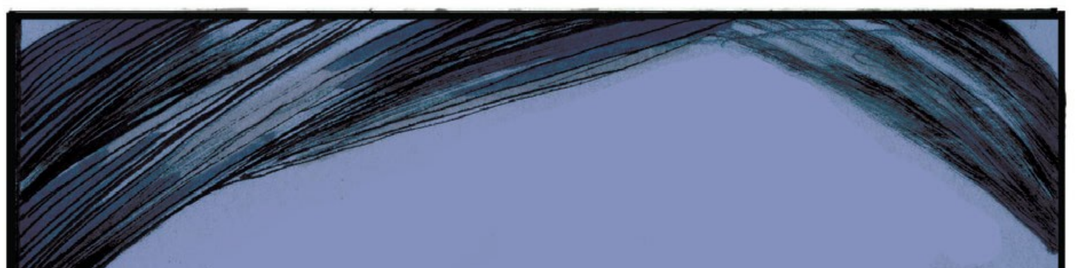
"ازش خوشت میاد..."

dorrname.ir











نترس تینا!
فقط یه کابوس بوده.

پدر! من یه
سایه ترسناک پشت
پنجره دیدم! خیلی
می ترسم!

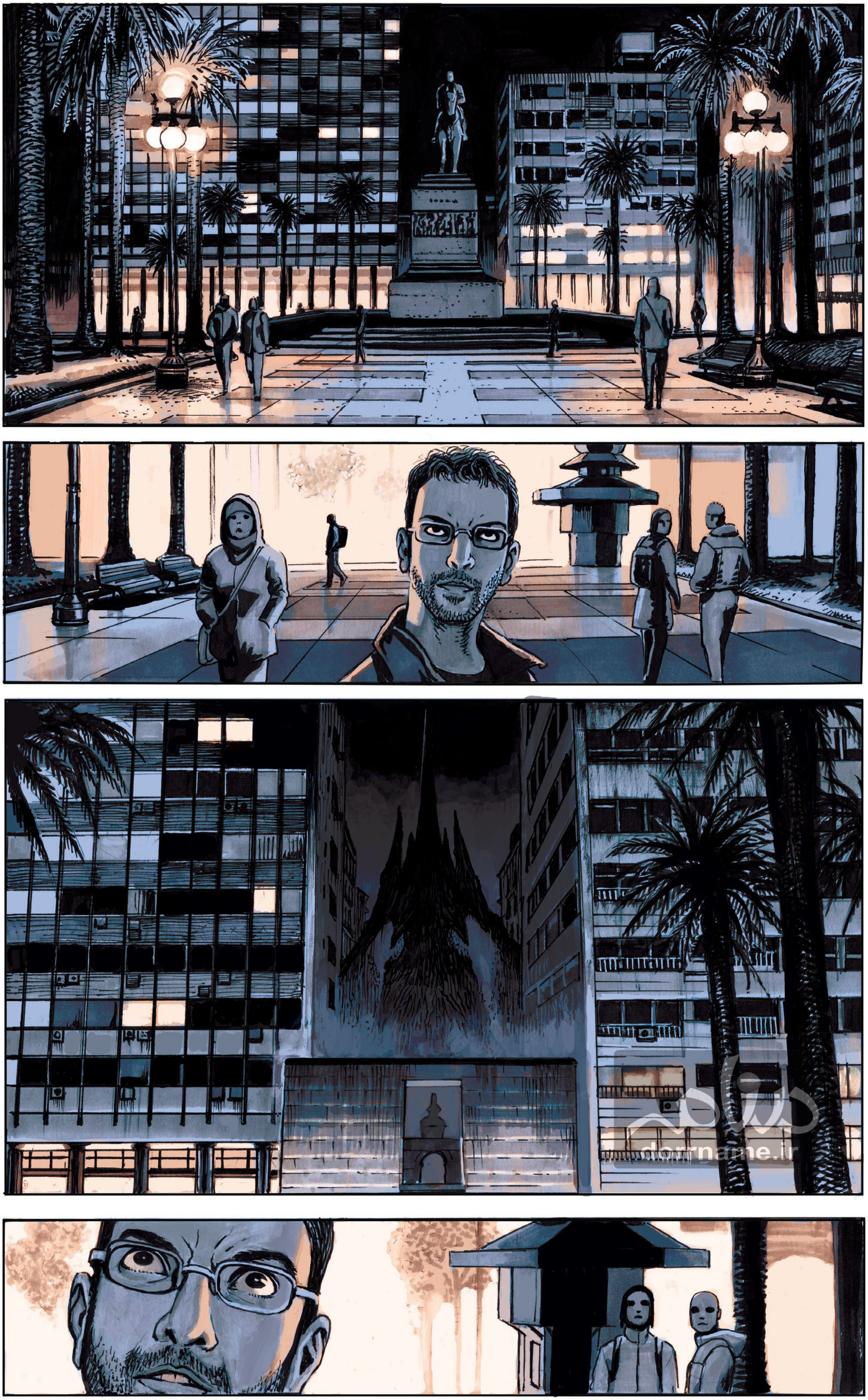
ولی وقتی از
خواب بیدار شدم، دیدمش.
داشت منو می پایید.

بعضی وقت ها
کابوس ها انقدر ترسناک
هستند که فکر می کنی بیداری.
ولی هنوز تو خوابی. الان دیگه
نترس. برو بخواب. این دفعه
رؤیاهای قشنگ می بینی.مثل
پانداها و میمون های
تنبل.

دارمه
dorrname.ir

مونته ویدئو، اروگوئه




dorrname.ir



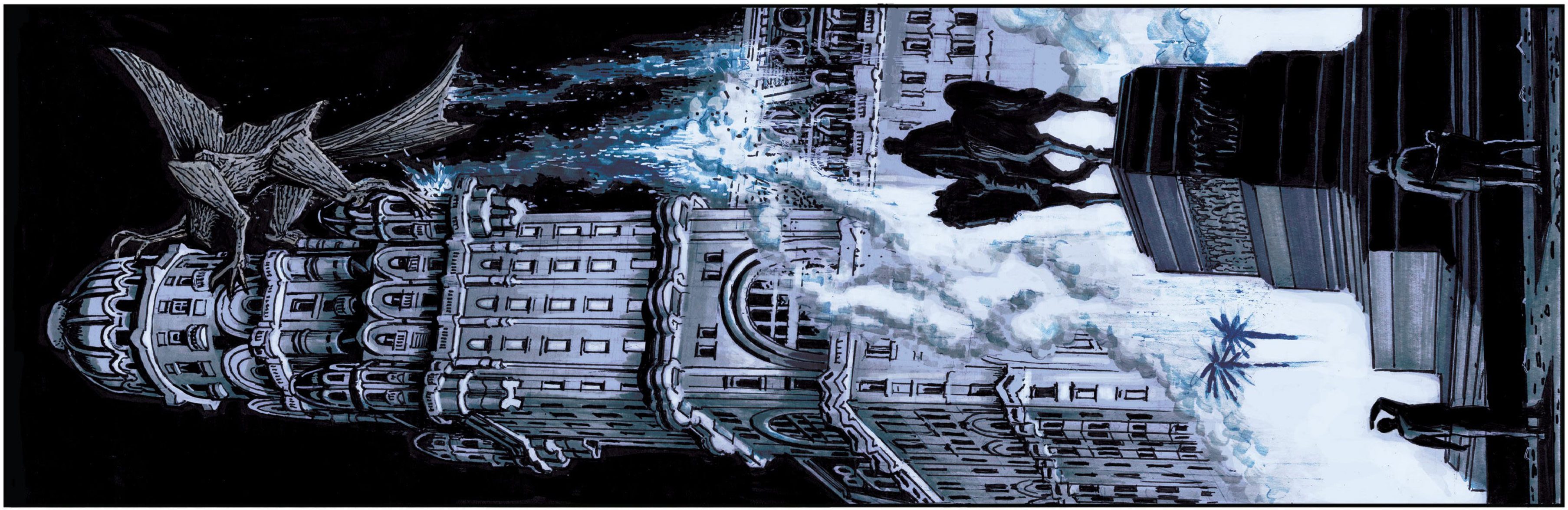


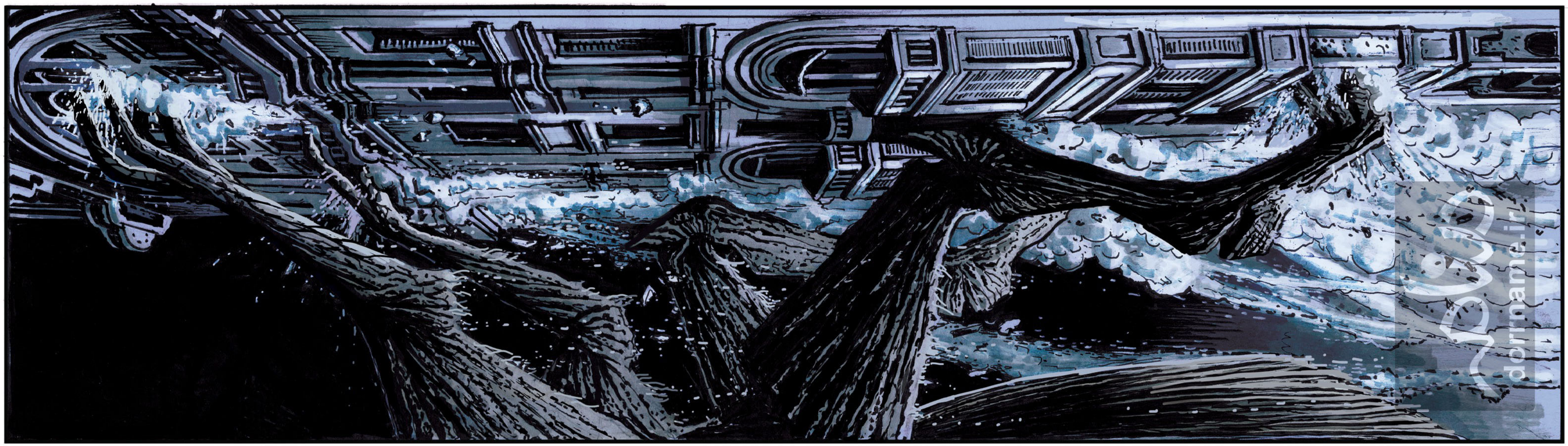


dorrname.ir



dornama.ir







dorrname.ir



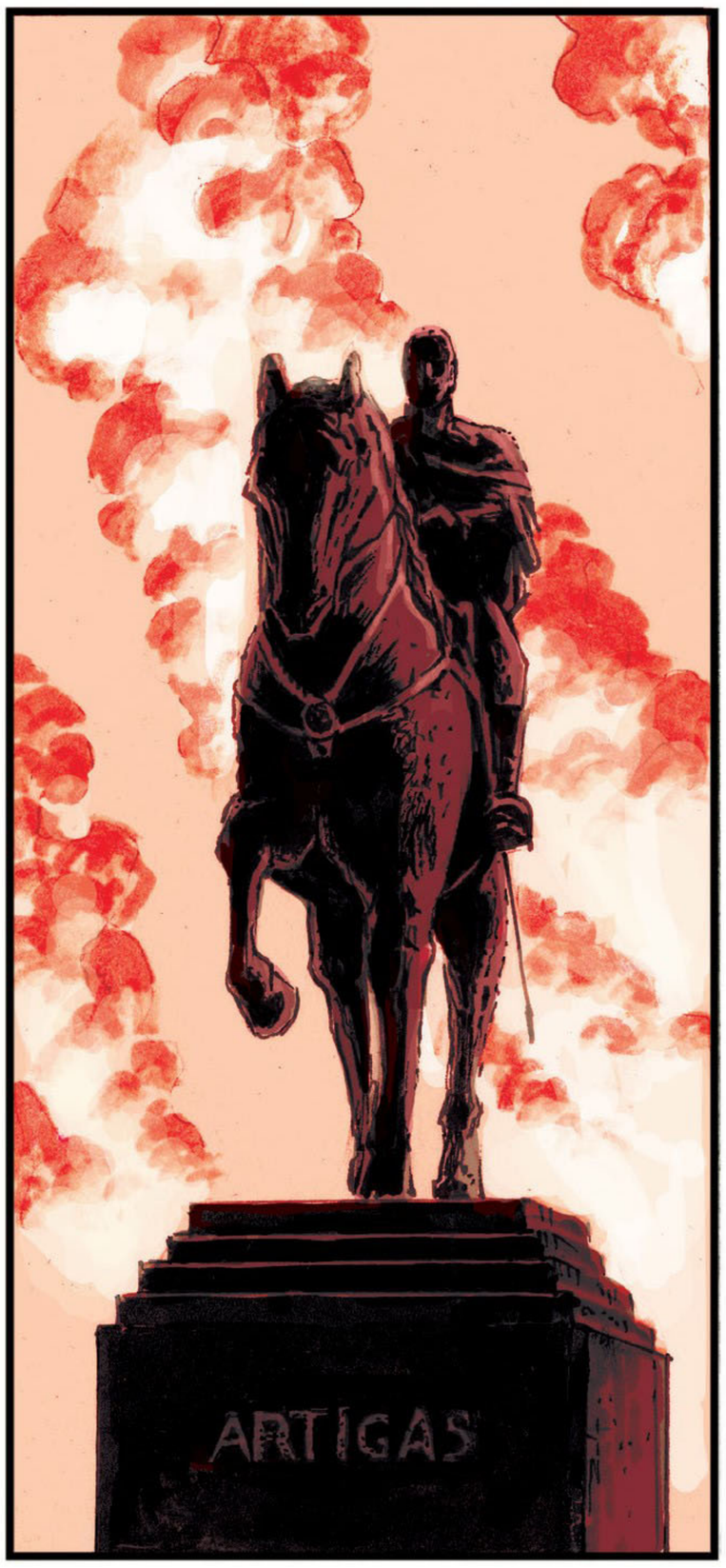


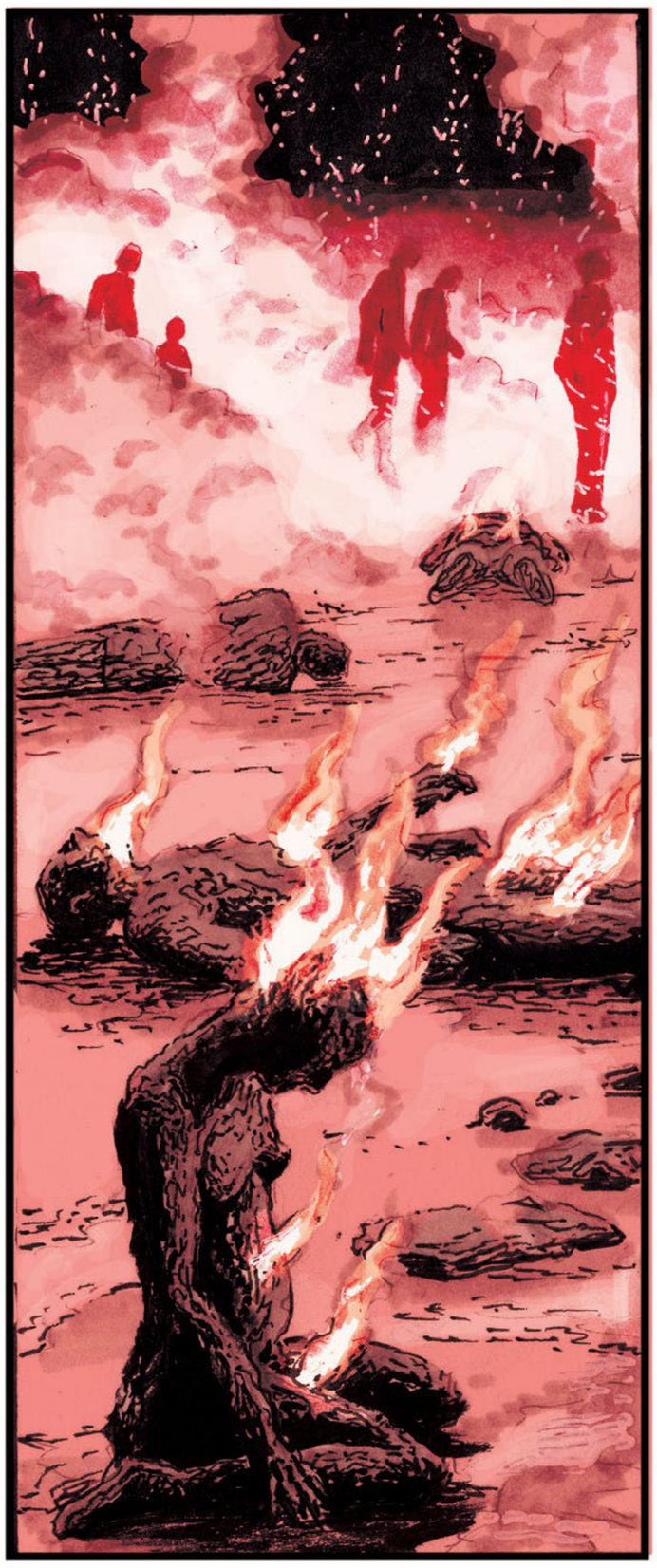
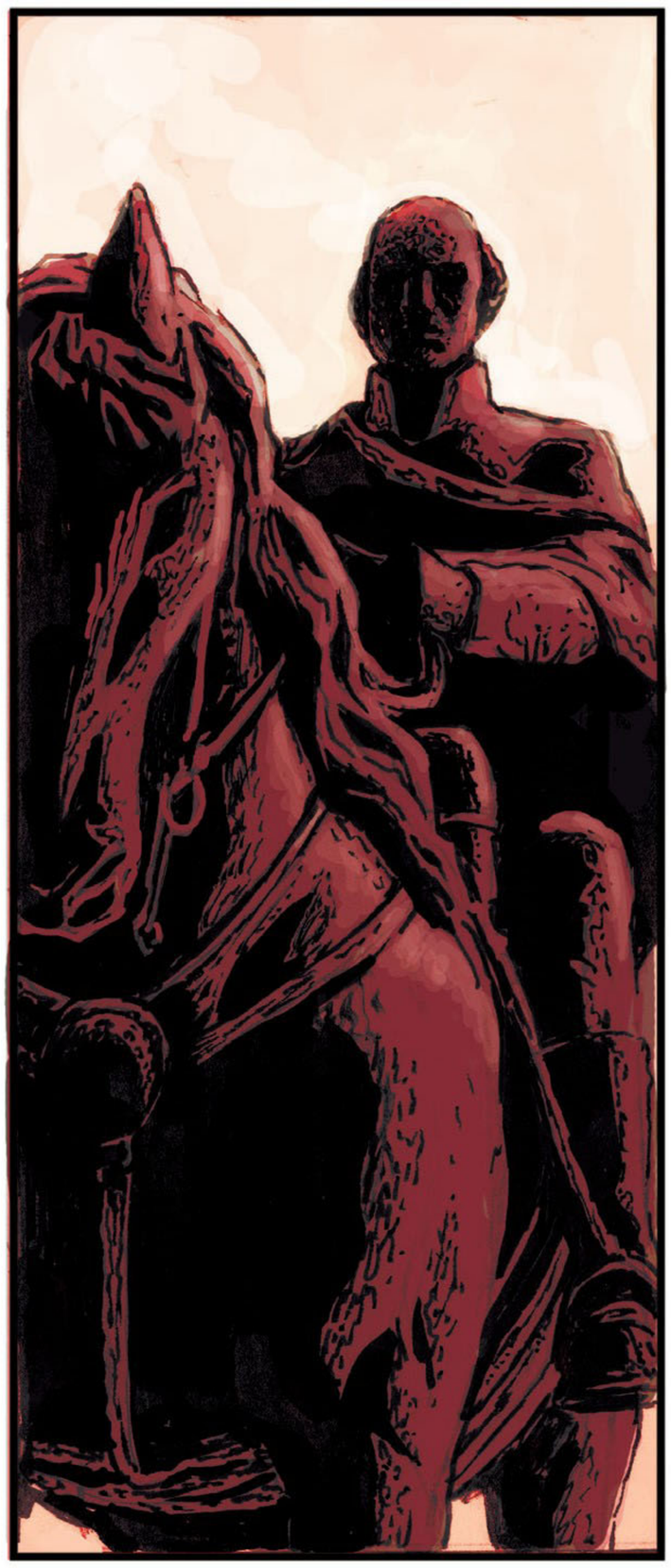
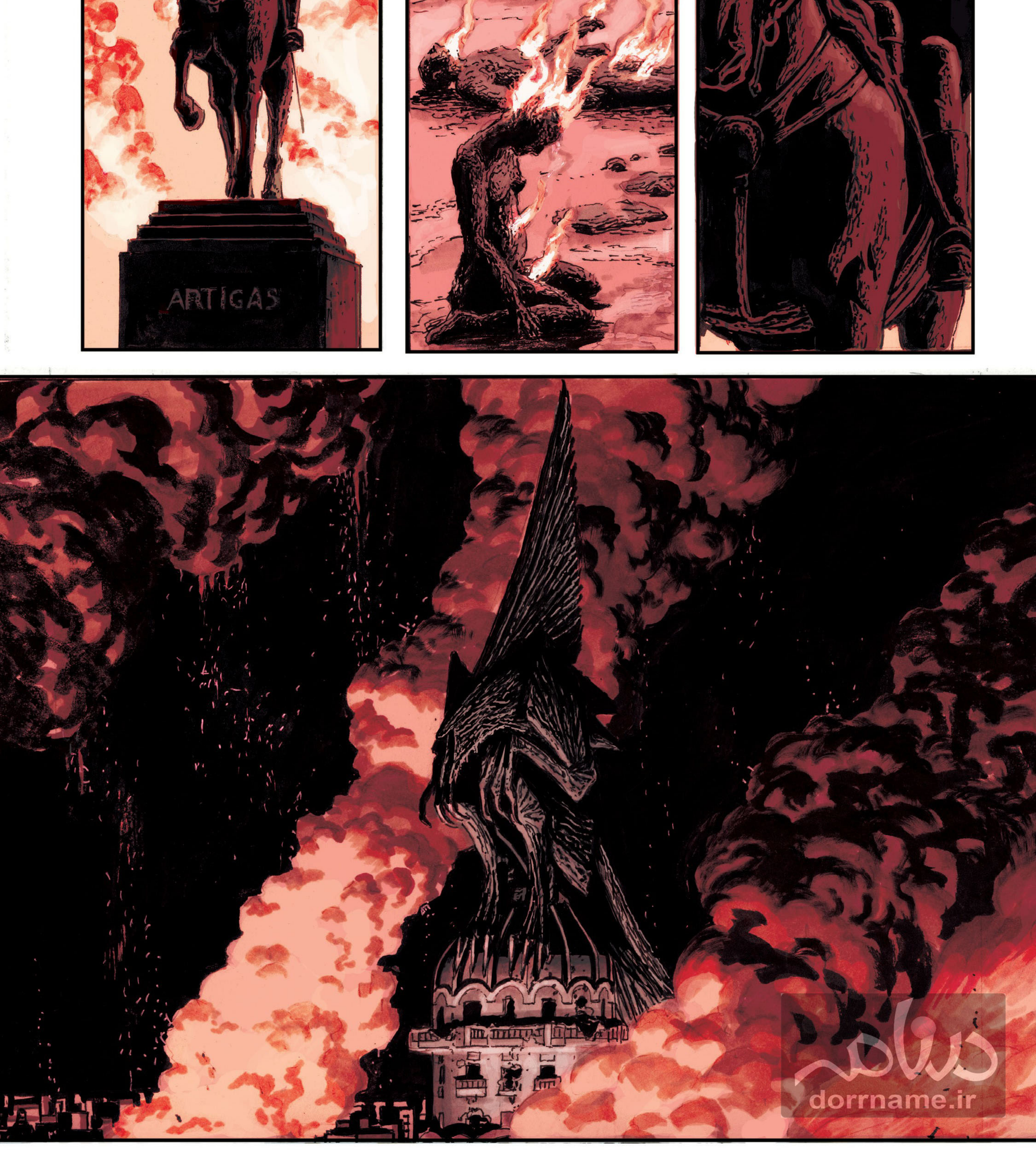






dorrname.ir

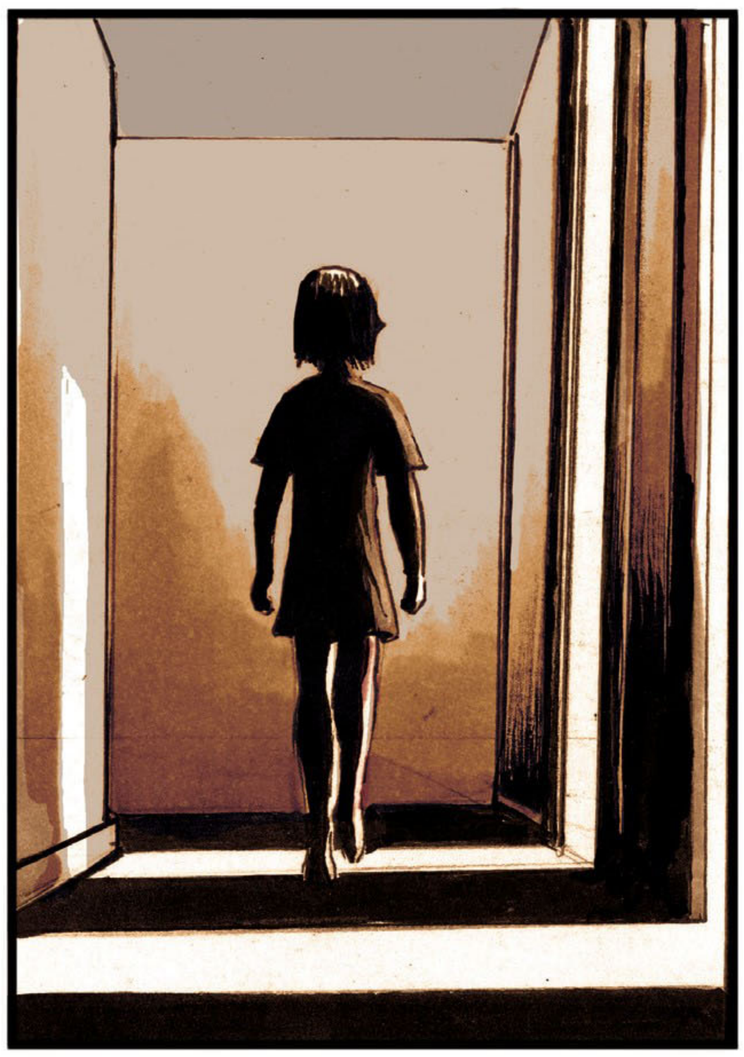


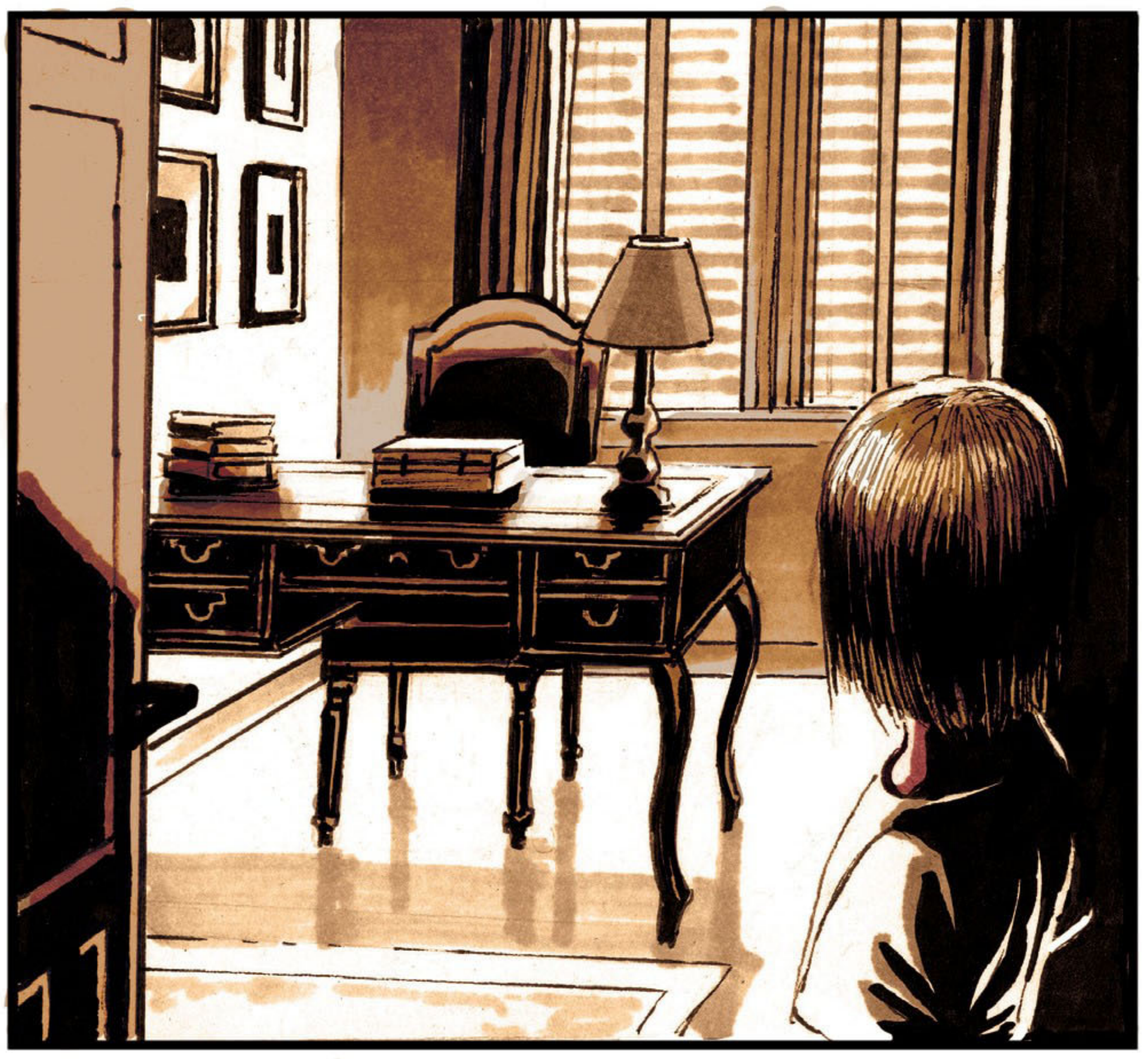



درنام
dorrname.ir

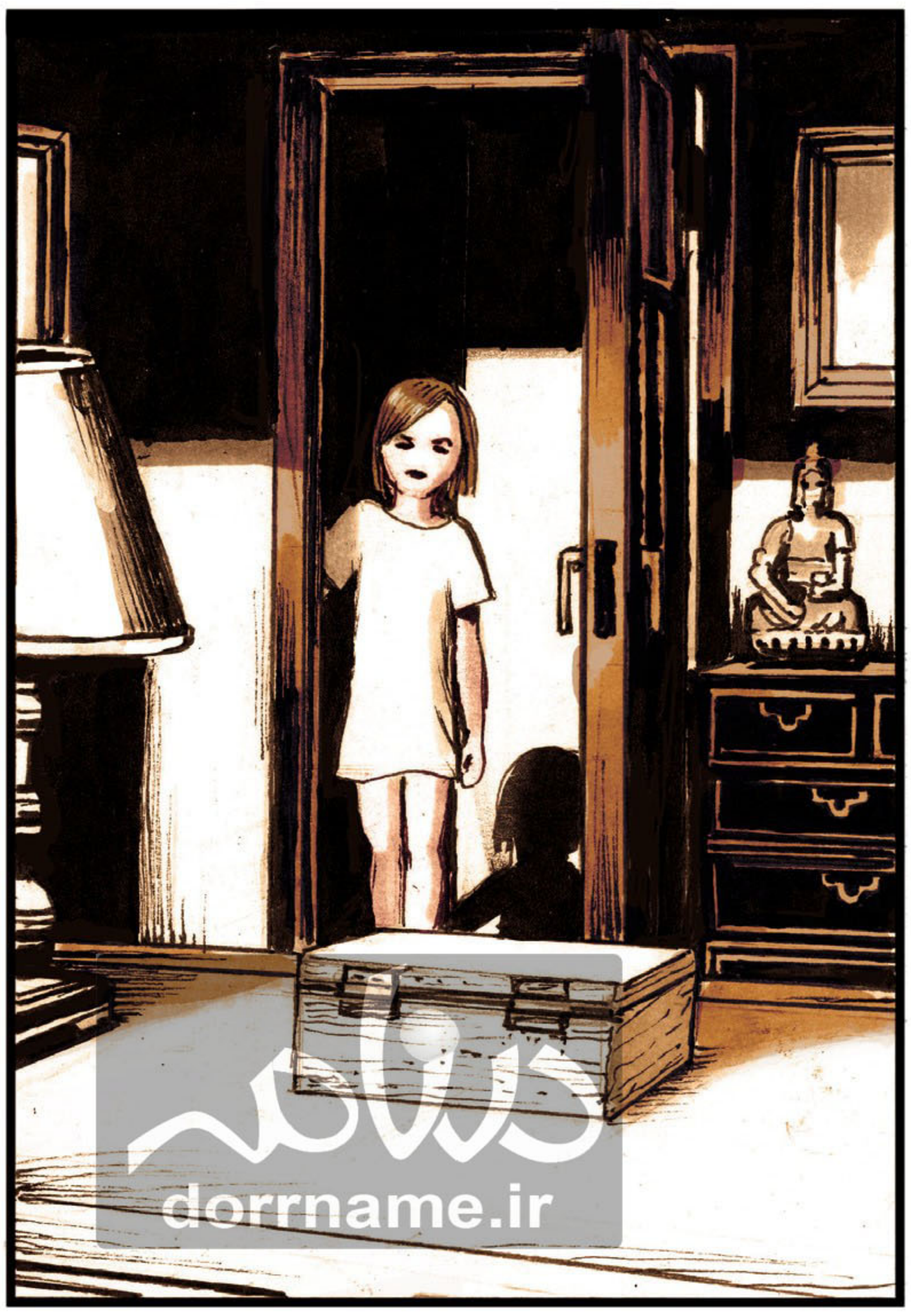




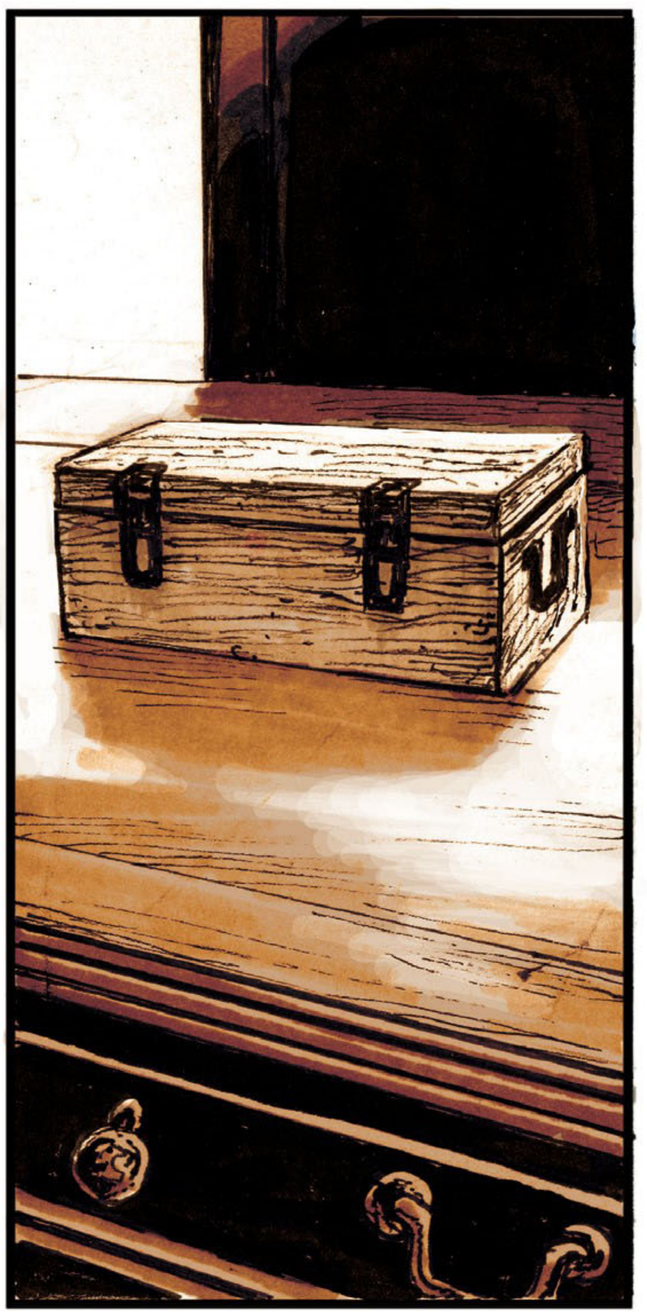












dorrname.ir

پدر باید بهت
بگم چه خوابی داشتم
می دیدم.

باید مراقب
باشی. این شکننده
است.

صبح بخیر
تینا...

اینجا چیکار
داری می کنی؟

خواب پدربزرگ
رو دیدم.

می تونی سر
میز صبحانه برام
تعریفش کنی. بریم
صبحانه بخوریم چون باید
خیلی زود برگردیم
خونه.

yes.

تینا...

واقعاً
خواب پدربزرگ
رو دیدی؟

تو خواب
پدربزرگ بهم گفت
اون جعبه یه هدیه است
برای من.

چه خبر
شده آیدا؟

ادگار!
ادگار!

دیگه چی
بهت گفت؟

فکر کنم
مرده. می تونست با
من حرف بزنه چون من
داشتم خوابشو می دیدم
ولی...

امکان
نداره...

این دیگه
چیه؟ خیلی
بزرگه...

این یه
صحنه کابوس وار
از مونته ویدئوست.
هزاران نفر مفقود یا
کشته شدند.

URUGUAY

موجود غول پیکر در مونته ویدئو ایجاد رعب و وحشت کرده است

"امکان نداره آخر دنیا
باشه..."

"الان نه."

دررنامه
dorrname.ir


dorrname.ir

پدر، اون
هیولای وحشتناک
داره میاد اینجا؟

نمی دونم
از کجا اومده ولی
ارتش جهانی اونو
.تکه تکه می کنه

ولی آیدا
می گفت اون شهر
خیلی به بوئنوس آیرس
نزدیکه.

آره، ولی سمت
دیگه ریو دلاپلاتا قرار
داره که پهن ترین رود
جهانه.

پس
هیولاهایی مثل
چوپاکابرا و پری های
دریایی واقعی اند!

منو هم
می ترسونه...

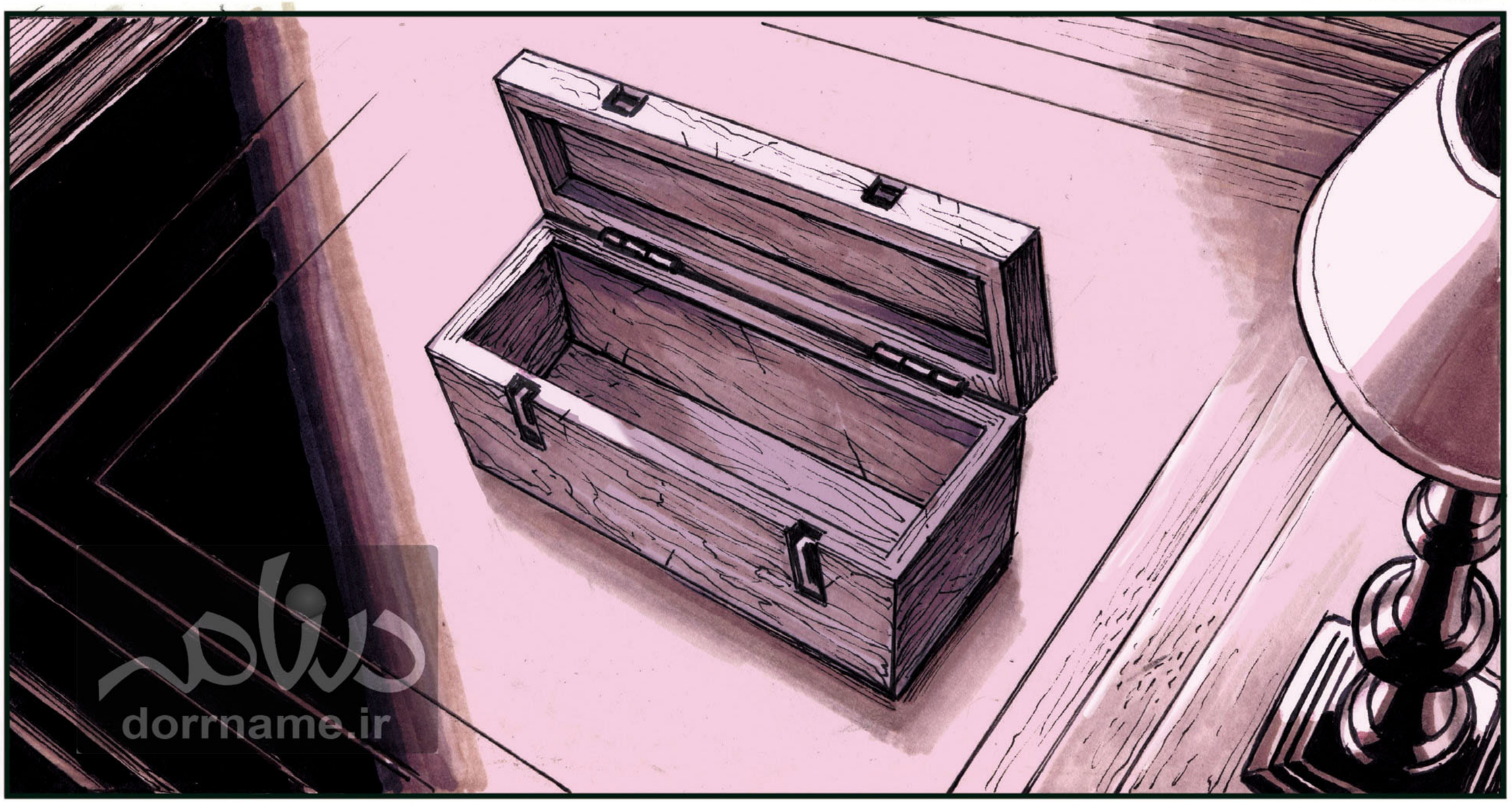
آره، هستند.
و یه جورایی وحشتناک
هستند. ولی این هیولا
خیلی ترسناک تره...

پری های
دریایی هیولا
نیستند.









dorrname.ir

انفجارها نتیجه حملات
ضربتی هستند که نیروهای
ناتو بعد از تخلیه کل شهر در مونته ویدئو
ترتیب دادند.

امروز بعدازظهر
صدای انفجارها رو می شه
از بوئنوس آیرس هم
شنید...

میزان
خرابی هایی که این
حملات بدنبال داشته،
هنوز مشخص نشده. سالاماندر
اسم رمز جدیدیه که این روزها برای
ارجاع به این هیولا استفاده میشه.
هیولایی که از قطب
جنوب اومده.

مونته ویدئو هم اکنون

سالاماندر پشته هایی از آوار ساخته

ولی ما
می دونیم که خودشو
در بین دیواره هایی از آوار
و حلقه ای آتشین از لاوا محصور
کرده. انگارمی خواد از خودش
در برابر حمله محافظت
کنه...

هدف و نوع
غذای اون هنوز
مشخص نشده.

سالاماندر؟

تینا،
بیدار شو...

تینا...

درنامه
dorrname.ir

البته که مال
توئه. می خواهی
بدونی چطور کار
می کنه؟

بله، پدربزرگ.
آیدا نمی خواست من
اونو داشته باشم. ولی به هر حال
برش داشتم. شما گفتید
اون مال منه!

من اینجا
هستم چون به کمکت
نیاز دارم تینا. هدیه ای که
بهت دادم یادت میاد؟
اونو به دست آوردی؟

می دونم چطور
کار می کنه. بهت این
امکان رو می ده تا صدای
اقیانوس رو
بشنوی.

این صدا تنها
صداییه که می تونه یه موجود
خاص رو بیدار کنه که الان تو خواب خیلی
عمیقی فرو رفته. ازت می خوام اون
وسیله رو همین امشب به صدا
دربیاری.

نه. این برای
شنیدن نیست! برعکس.
اگه آروم توی اون سوراخ کوچیک
فوت کنی، یه صدای منحصربفرد
ایجاد می کنه.

می خوام رازی
رو بهت بگم که
هیچکس ازش خبر
نداره. حتی پدرت.

کی رو می خواهی
بیدار کنی پدربزرگ؟

خیلی وقت
پیش، قبل از زمان
دایناسورها زمین یه
زندان سری بود.

ولی این مکان
زندان عادی نبود. زندانیان
بقدری خطرناک بودند که به خواب
فرو برده شدند و در زیر زمین حبس شدند.
یک سنتیل مسئول نگهبانی کلیدی بود که
آنها را محبوس نگه می داشت. او
تنها محافظ زندان بود.

"پس از گذشت دوران طولانی زمان،
زمین تغییر کرد. این زندان فراموش
شد، ولی زندانیان و محافظ اون جایی در
اعماق زمین در خواب هستند."

"یک روز در عمیق ترین نقطه اقیانوس، ما کلیدهای نگهبان
رو پیدا کردیم و کمی دورتر یکی از سلول های زندانیان."

"یکی از افراد حاضر بنام فلیپه ساندوال یه شیطنت
کرد و این شیطنت بدترین کار ممکن بود اون از
کلید استفاده کرد و در یک از سلول ها رو باز کرد.
و زندانی رو آزاد کرد."

"چند روز پیش زندانی اول
دومین زندانی رو آزاد کرد و
قصد داره همه اونها رو آزاد کنه."

"اون کلید همه سلول ها رو داره.
ولی نمی دونه سلول ها کجا هستند.
اگه بتونه بقیه سلول ها رو پیدا کنه و
زندانی های دیگه رو آزاد کنه...

نگران نباش تیناو
یه راه برای متوقف کردن
فلیپه و زندونی ها هست. فقط
باید نگهبانی که به خواب
رفته، بیدار کنیم.

پدربزرگ،
داری منو می ترسونی.

...پایان دنیا.

شاخی که بهت
دادم می تونه نگهبان رو بیدار
کنه. باشد امشب ازش استفاده
کنی. باید امشب باشه!

می دونی
باید چیکار کنی؟

بله. باید
شیپور رو به صدا
دربیارم...

ولی
چطور؟

درسته! درست
انجامش بده!

برای...
نجات دنیا؟

...برای چی؟

دانته،
اونو بده من!
مال منه!

ووف!
ووف!
ووف!

ووف!
ووف!
ووف!

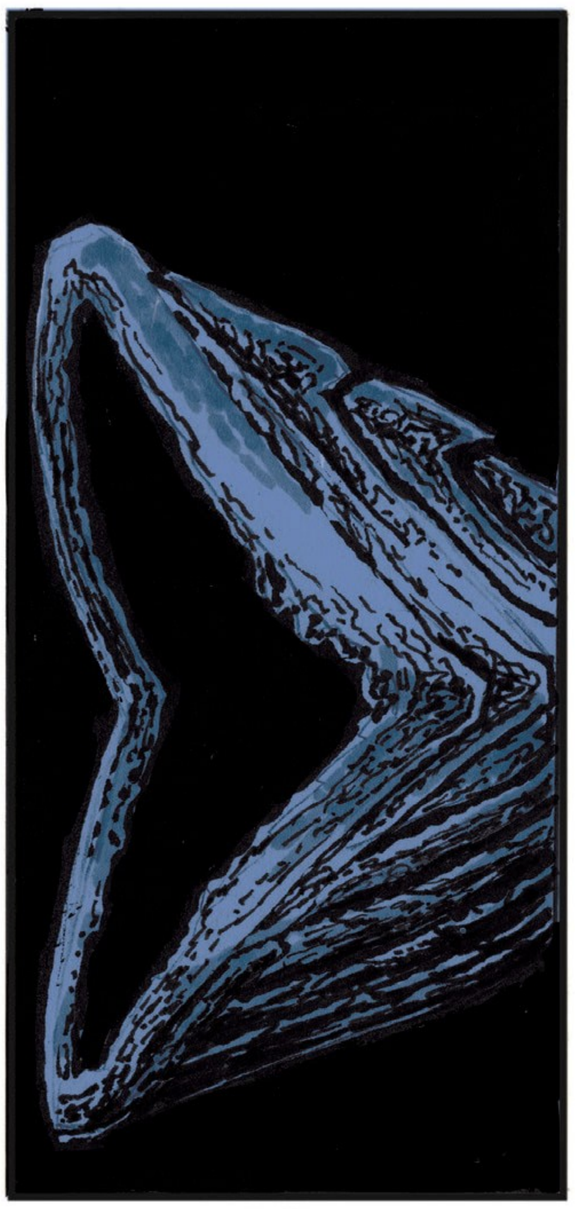
این صدا
دیگه چیه؟

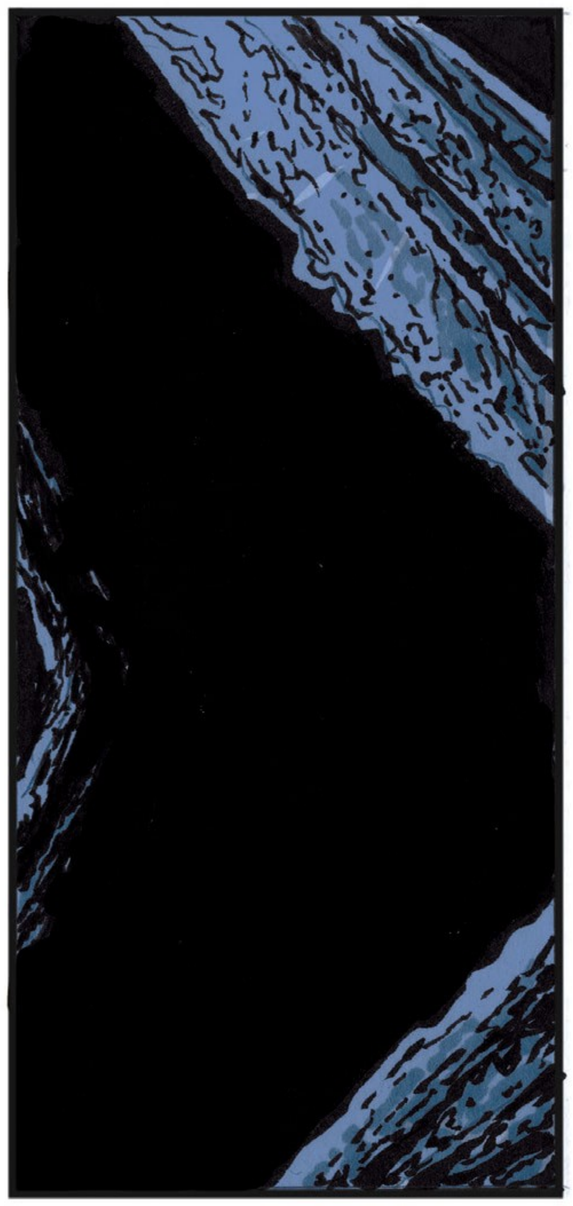
ووف!
ووف!
ووف!

از اتاق تینا
میاد...

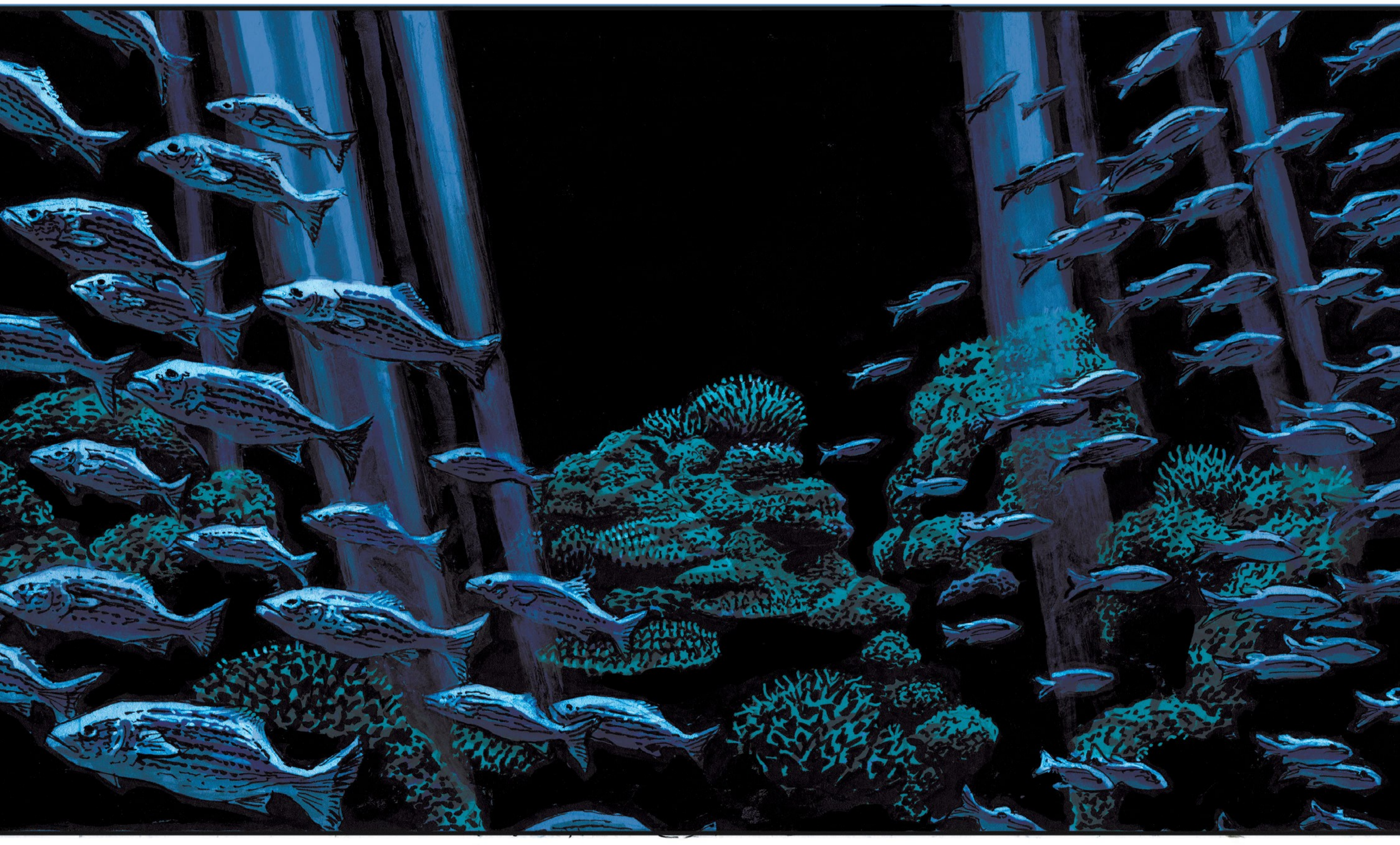
دورنما
dornname.ir



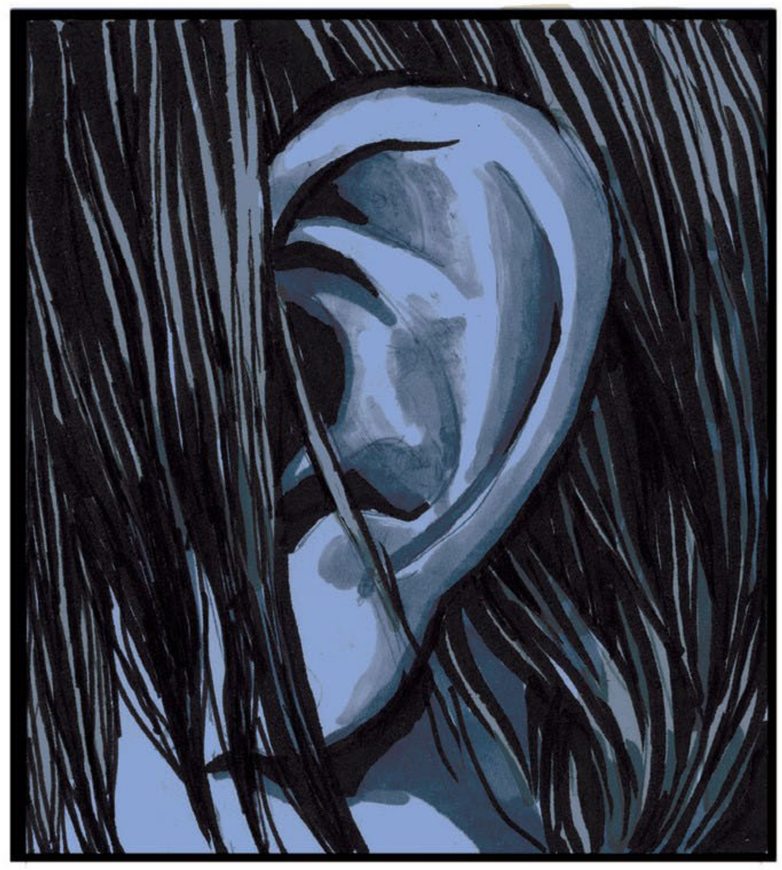






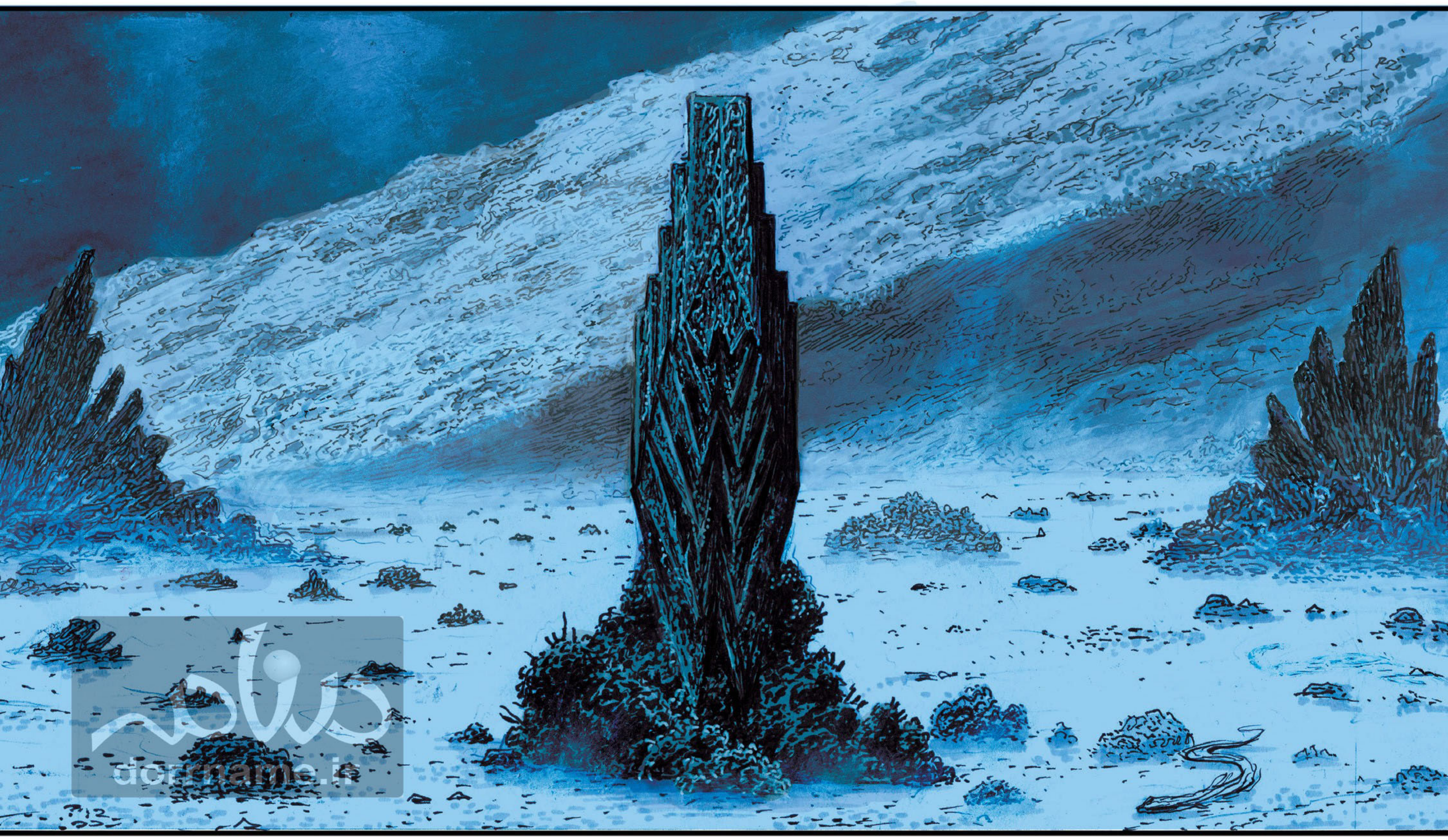


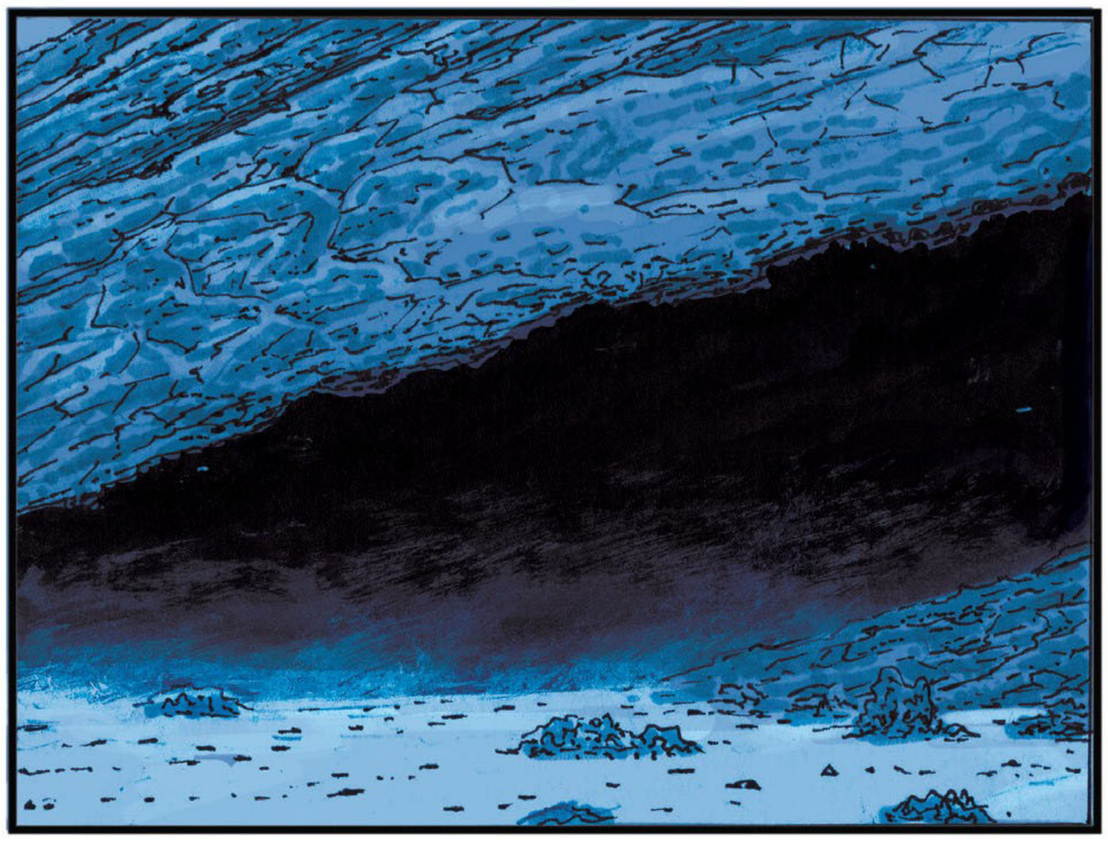
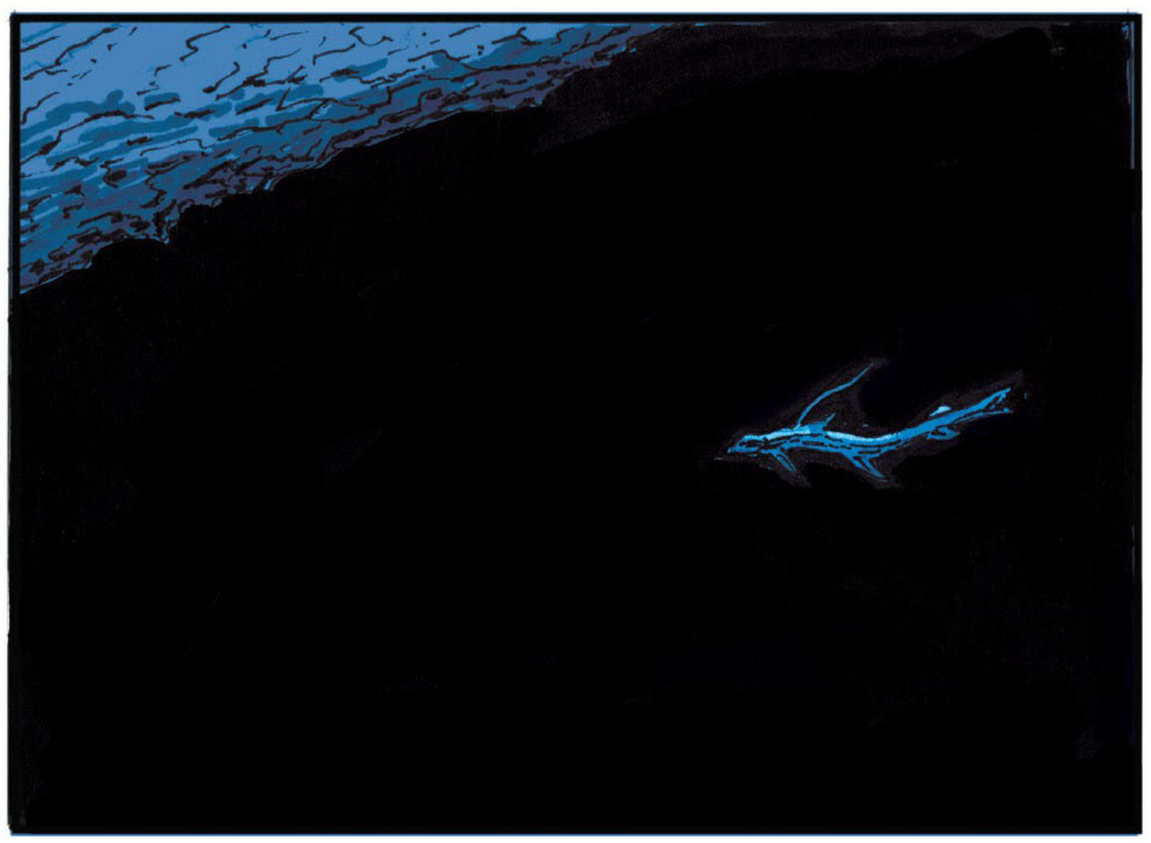


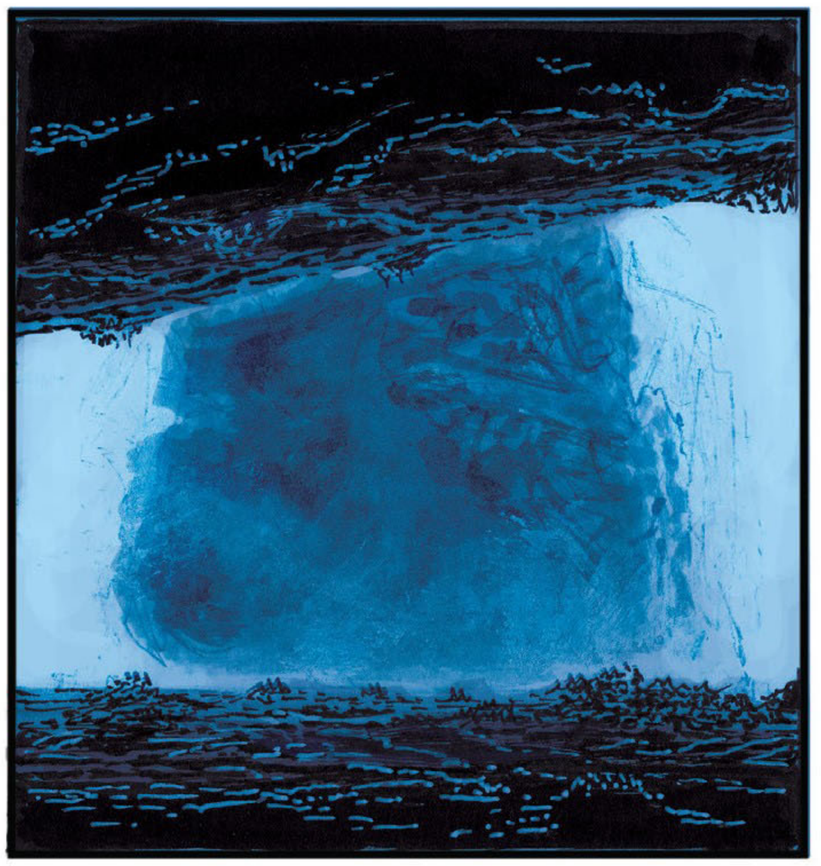




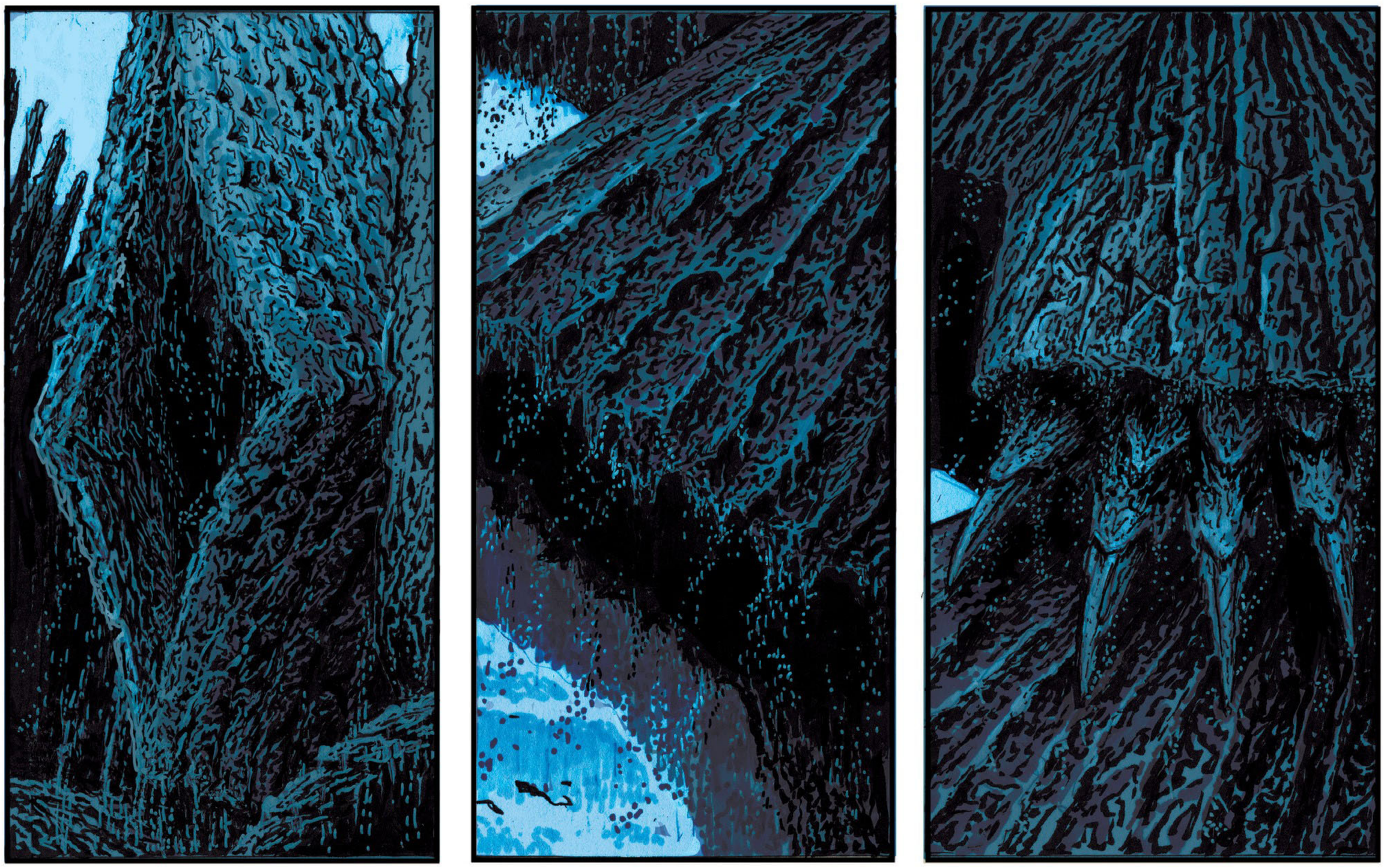




درنامه
dorrname.ir



ادامه دارد...



STONEBOT
comics.com

SALVADOR SANZ

DEC. 21 | $7.99

#1 OF TWO

MECH

دورنامه
dorrname.ir
مرجع کمیک های فارسی

RED 5 COMICS